

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی

گروه علم و فناوری

گزارش سیاستی:

جذب سرمایه‌گذار در مناطق آزاد تجاری-صنعتی

مردادماه ۱۳۹۸

(۱) مقدمه

توسعه اقتصادی نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی است. بدون سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی و روبنایی نمی‌توان انتظار گسترش اشتغال، تولید و رفاه اقتصادی را داشت (کریمی، ۱۳۹۱). به این دلیل که امروزه توسعه به عنوان یک مسئله بین‌المللی حائز اهمیت است، بسیاری از کشورهای جهان تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی پیدا کرده‌اند، به طوری که جذب سرمایه‌گذاری خارجی از مهمترین عوامل توسعه از منظر بین‌المللی به شمار می‌رود. با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌توان نسبت به احداث زیرساخت‌ها و امکانات مورد نیاز از طریق روش‌های رایج سرمایه‌گذاری خارجی اقدام کرد. توسعه کشورهای به مثابه فرایندی بین‌المللی از طریق پیوند با اقتصاد و بازار جهانی شکل می‌گیرد و توانمندی‌های اقتصادی کشورها نیز در مقابل با این اقتصاد و بازار به وجود می‌آید. در کشورهایی که، به علت پایین بودن درآمد سرانه، حجم پس‌اندازها ناکافی است، سرمایه‌گذاری‌های خارجی بخشی از نیاز کشور به منابع مالی را تأمین می‌کند. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری‌های خارجی از یکسو رشد اقتصادی را به دنبال دارد، و از سوی دیگر لااقل در کوتاه‌مدت از فشار بر تراز پرداخت‌های خارجی، که در نتیجه افزایش تقاضا برای کالاهای وارداتی ایجاد شده است، می‌کاهد.

مناطق آزاد برای رونق‌دهی به اوضاع اقتصادی، ایجاد اشتغال و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار با مشکل کمبود منابع سرمایه‌گذاری روبرو هستند. کمبود درآمد‌های ارزی ناشی از صادرات و نرخ ناعادلانه مبادله که اغلب به زیان صادرکنندگان کالاها و مواد اولیه خام در حال تغییر است و انبوه جمعیت و مصرف به نسبت بالا، از عواملی است که منابع پس‌انداز قابل تبدیل به سرمایه‌گذاری‌های مولد در این گونه کشورها را به شدت محدود می‌سازد.

جبران عقب‌ماندگی و دستیابی به توسعه پایدار، نیازمند سرمایه‌گذاری برای بهره‌جویی از مزیت‌های نسبی و توانایی‌های بالقوه اقتصادی است. در فرآیند جهانی شدن، سرمایه نیز با سهولت قابل نقل و انتقال است. اما سرمایه‌گذاران به دنبال کسب سود بیشتر و مکانی امن برای سرمایه‌گذاری هستند. با اشیاع سرمایه‌گذاری در کشورهای پیشرفته صنعتی، نرخ بازده سرمایه‌گذاری در این کشورها رو به نزول می‌رود و سرمایه‌گذاران همواره در صدد بهره‌جویی از فرصت‌های با بازده بیشتر هستند. چنانچه امنیت سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار تضمین شده و بستر قانونی لازم فراهم شود، سرمایه‌گذاران بین‌المللی میل و رغبت بیشتری برای حضور در این

گونه بازارها خواهند داشت. این امر به کشور های میزبان نیز فرصت بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی، رشد اقتصادی، اشتغال زایی و دستیابی به دانش و فناوری روز برای تولید کالاهای رقابتی در عرصه بین‌المللی را می‌دهد. بنابراین، تسریع در ورود سرمایه‌گذاری های خارجی، منافع متقابلی را برای کشور های میزبان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی بدنبال خواهد داشت. کمبود سرمایه در مباحث اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین عوامل توسعه نیافتگی مطرح شده است. به عبارت دیگر، رشد و توسعه اقتصادی بدون انباشت سرمایه امکان پذیر نخواهد بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از متفکران دلیل توسعه نیافتگی بسیاری از کشورها را کمبود در آمد و پس انداز و در نتیجه سرمایه گذاری نا کافی می دانند. سرمایه می تواند بخش تولید را تحرک ببخشد و با افزایش تولید، موجب رشد تجارت، بهبود سطح زندگی مردم و رشد و توسعه اقتصادی شود. فقدان سرمایه یکی از علل اصلی گرفتار آمدن بسیاری از کشورها در دور باطل فقر و توسعه نیافتگی شناخته شده است و علاوه بر آنکه بیکاری گسترده را بدنبال دارد، موجب عقب ماندگی سطح تولید مالی می شود و در مرحله بعد به فقر اقتصادی می‌انجامد. در مباحث مربوط به توسعه اقتصادی، راه حل اصلی فائق آمدن بر مشکل کمبود سرمایه و خروج از دور باطل فقر و توسعه نیافتگی، استفاده کشورهای در حال توسعه از سرمایه های انباشته شده در کشورهای توسعه یافته و به طور کلی جذب سرمایه‌گذاری خارجی عنوان شده است. به عبارت دیگر، آنچه استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی را به ویژه برای کشورهای در حال توسعه ضروری می‌سازد، وجود شکاف میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در این کشورهاست که از یک سو به دلیل ناکافی بودن پس‌انداز ملی و از سوی دیگر، بر اثر توسعه نیافتگی بازارهای مالی در کشورهای مزبور، پدیده عام کمبود سرمایه و گرایش به جذب سرمایه گذاری خارجی را شکل گرفته است.

۲) مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

انباشت سرمایه به عنوان یکی از پیش نیازهای اساسی فرآیند رشد اقتصادی از منابع داخلی یا خارجی قابل تأمین است. منابع مالی خارجی به عنوان مکملی برای پس‌انداز داخلی افزون بر پر کردن شکاف پس‌انداز سرمایه‌گذاری، راه حلی برای مقابله با شکاف منابع ارزی نیز می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه، منابع مالی خارجی شامل کمک‌های بلاعوض کشورهای توسعه یافته، جریان مالی ناشی از منابع متعدد نظیر بانک جهانی، بانک‌های منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم و مستقیم خارجی است. سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی بیشتر به وسیله بخش خصوصی و در قالب شرکت‌های چندملیتی صورت می‌گیرد و از آن به عنوان جریان خصوصی سرمایه یاد می‌شود.

امروزه تجربه بسیاری از کشورها مانند؛ چین، کره جنوبی، تایوان - نشان می دهد که می توان با ایجاد " مناطق پردازش صادرات " یا " مناطق آزاد تجاری - صنعتی " امکان جذب " سرمایه گذاری مستقیم خارجی " و توسعه صادرات کالاهای صنعتی و در نتیجه درآمدهای ارزی کشور را افزایش داد.

این مناطق با برخورداری از معافیت های مالیاتی و گمرکی و دوری از قوانین دست و پاگیر و بازدارنده داخلی، برخورداری از امکانات زیربنایی مناسب و سازمان های اجرایی کارآمد و ... می توانند سرمایه - گذاران خارجی را به دلیل بهره گیری از مزیت نسبی همچون ارزانی نیروی کار و مواد اولیه و نزدیکی به بازارهای مصرف جذب کنند.

این مناطق در صورت توفیق می توانند سرمایه های خارجی را برای گسترش صنعت صادرات گرا، انتقال تکنولوژی و ایجاد فرصت های شغلی مناسب به کار برند و اقتصاد بسته و ناکارای داخلی را به اقتصاد بین المللی گره بزنند . لذا ایجاد و توسعه مناطق آزاد تجاری می تواند به عنوان یک خط مشی سریع ، و راهی میانبر برای تحقق اهدافی چون جذب سرمایه های داخلی و خارجی و صنعتی شدن سریع به منظور توسعه صادرات غیر نفتی مورد استفاده قرار گیرد.

آمار و اطلاعات موجود درباره مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشور حاکی از این واقعیت است که این مناطق در مقایسه با مناطق پردازش صادرات کشورهای نظیر چین، کره جنوبی، امارات، متحده عربی و ... در دستیابی به اهداف تعیین شده برای آنها چندان موفق نبوده اند؛ و به ویژه در جذب سرمایه اعم از داخلی و خارجی ناتوان بوده اند . بنابراین بررسی و شناسایی نقاط قوت و ضعف این منطقه و اولویت بندی آنها در تحقق اهداف اولیه آن به خودی خود اهمیت می یابد و شناسایی عوامل مؤثر در جذب سرمایه از مهمترین اهداف به شمار می آید؛ زیرا شناسایی عوامل مؤثر در جذب و گسترش سرمایه گذاری به عنوان عامل محرکه اصلی تولید و صادرات و اولویت بندی آنها می تواند سیاستگذاران و برنامه ریزان اقتصادی را از نتایج کار خود بهره مند سازد.

فواید سرمایه گذاری مستقیم خارجی شامل جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، بالابردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت ها و افزایش قدرت رقابت است. البته باید خاطر نشان کرد که ضعف مدیریت و سیاست های ناصحیح در زمینه جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی می - تواند پیامدهای منفی از قبیل ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، انهدام صنایع با مقیاس تولید کوچک و نیز تشدید بیکاری را به همراه داشته باشد. با توجه به نقش مهم سرمایه گذاری مستقیم

خارجی، کشورها برای جذب این نوع سرمایه تلاش می‌کنند. در واقع بازار جهانی جذب این سرمایه-ها، بسیار رقابتی است. این رقابت به ویژه میان کشورهای در حال توسعه با توجه به لزوم دستیابی سریع به توسعه و کمبود منابع مالی بیشتر است. این گونه کشورها دنبال جذب انواع سرمایه هستند و بدین منظور تمهیدات گوناگونی برای جذب این نوع سرمایه‌ها به کار می‌برند.

تأمین منابع مالی خارجی و بکارگیری روش‌های متنوع آن، علاوه بر اینکه یکی از ابزارهای مهم برای توفیق کشورها در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و محقق نمودن اهداف کلان توسعه‌ای آن‌ها بوده است، راهکاری برای ارزآوری کشور و استقلال اقتصاد از ارز نفتی محسوب می‌شود. برخی از کارشناسان و به تبع آن مسئولان با مشاهده تجربیات کشورهای همچون ترکیه، مالزی، کره جنوبی و غیره، باور عمیقی دارند که جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اصلی‌ترین راه توسعه در الگوهای رشد سریع امروزی (همچون کشور چین) است.

می‌توان به آثار مثبت و کیفیت بالاتر سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل توأم بودن با انتقال تکنولوژی و دانش فنی، در اختیار داشتن بازار فروش به مراتب وسیع‌تر و مدیریت کارآمدتر اشاره کرد. متداولترین نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری مشترک است که در آن سرمایه‌گذاری مختلط با مشارکت شرکت‌های

داخلی و خارجی و به تناسب قرارداد به وجود می‌آید و هر دو طرف در میزان هزینه‌های سرمایه‌گذاری و منافع حاصل از آن با توجه به تناسب موجود سهم هستند.

به کارگیری سرمایه‌گذاری خارجی به جز هدف تأمین مالی سرمایه در شرکت‌های بزرگ و همچنین شرکت‌های کوچک و متوسط با هدف‌های دیگر نیز صورت می‌گیرد. ارتقای بهره‌وری، توسعه مهارت و مدیریت برای ارتقای توان کیفی نیروی کار داخلی، توسعه بازارهای صادراتی، افزایش استاندارد تولیدات داخلی و حرکت به سوی اقتصاد بازار، از دیگر اهداف جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. در این راستا بر دولت‌ها واجب است که به ظهور و پویایی صنایع و کارآفرینان داخلی برای جلب مشارکت شرکای خارجی به عنوان سرمایه‌گذاری یا عرضه‌کننده فناوری کمک کنند.

۳) سابقه تحقیقات و مطالعات انجام گرفته

مناطق آزاد بیش از چهار دهه پیش بر بنیاد نگرش‌های برون‌نگر؛ مبتنی بر مزیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی و با هدف گسترش صادرات شکل گرفتند. تأسیس مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به عنوان

یکی از راهکارهای توسعه کشورها با بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در نظام اقتصاد جهانی به شمار می‌رود.

مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، دارای مقررات اقتصادی متفاوتی با دیگر نقاط سرزمین اصلی هستند، تا این تفاوت‌ها بتواند زمینه جذب سرمایه، رونق تجاری و رشد اقتصادی را فراهم آورد. به منظور رشد و توسعه این مناطق، کشورها از مشوق‌های متنوعی همچون مشوق‌های قانونی، مالیاتی و مالی بهره می‌گیرند. این مناطق می‌توانند فرصت مناسبی جهت افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در راستای ارتقاء رقابت صنعتی و نهایتاً رشد اقتصادی جامعه فراهم نمایند. دولت‌ها از طریق اینگونه مناطق به دنبال آن هستند تا ضمن حفظ چارچوب‌های مقرراتی، صادرات خود را در زمینه‌های مختلف گسترش دهند. علاوه بر این، فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی و نیز اتخاذ سیاست‌های نوین در عرصه‌های اقتصادی، گمرکی و قوانین کار از دیگر اهداف ایجاد چنین مناطقی به شمار می‌رود. تجربه نشان می‌دهد در حالی که مناطق گوناگون جهان در جریان رشد اقتصادی و اهداف توسعه تاثیرگذار بوده‌اند، اثرات این موفقیت در نقاط مختلف جهان به یک اندازه نبوده است (سازمان منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴).

مناطق ویژه اقتصادی

عبارت منطقه ویژه اقتصادی (SEZ) عموماً برای توصیف یک منطقه جغرافیایی مشخص در داخل هر کشور که به لحاظ سیستم مالی، اداری و قانونی نسبت به سایر مناطق کشور، لیبرال‌تر یا آزادتر عمل می‌کند، به کار می‌رود (Dobrogonov & Farole, ۲۰۱۵). تفاوت قوانین در این مناطق با سایر مناطق یک کشور، معمولاً در زمینه شرایط سرمایه‌گذاری، مالیات و تجارت بین‌المللی می‌باشد. از طرف دیگر این مناطق از سیستم اداری و اجرایی کارآمدتر برخوردارند (BAISSAC, ۲۰۱۱). شرکت‌هایی که عملیات خود را در درون یک منطقه ویژه اقتصادی راه‌اندازی می‌کنند با مشوق‌های ویژه‌ای نظیر معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و بهره‌مندی از روش‌های ساده گمرکی حمایت می‌شوند (بانک جهانی، ۲۰۰۸). مهم‌ترین ویژگی SEZ آن است که از سیستم نظارتی خاص و متفاوتی نسبت به سایر نقاط کشور بهره می‌برد. ویژگی دیگر آن تامین زیرساخت‌های اختصاصی صنعتی، ایجاد فضای لازم برای پارک و بارگیری، ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل برای ارتباط منطقه با بازارها، مبادی ورودی و قطب‌های حمل و نقل مثل بنادر و فرودگاه‌ها است (Ibid: ۲۴-۲۵).

از ویژگی‌های اصلی منطقه ویژه اقتصادی می‌توان به پشتیبانی از تولید و تامین کالا برای مصارف داخلی کشور و توسعه صادرات، ایجاد تحرک در اقتصاد منطقه‌ای و تامین کلیه نیازهای وارداتی

صنایع و جامعه اشاره نمود. در این مناطق محدودیت زمانی برای نگهداری کالا و محدودیت خرید ارز وجود ندارد و تحت شرایط مطمئن و آسان توسط فروشندگان و تولیدکنندگان خارجی و شرکای داخلی آنها، تولید و تجارت صورت می‌گیرد تا پس از تولید ثانویه، پردازش یا حتی ترانزیت، کالاها آماده صدور به سرزمین اصلی یا دیگر کشورها با ساده‌ترین تشریفات و در کمترین زمان شوند (محقق، ۱۳۸۶).

مناطق آزاد تجاری

تعاریف گوناگونی از مناطق آزاد ارائه شده است، اما در عین حال می‌توان وجه اشتراک واحدی میان این تعاریف مشاهده کرد؛ این وجه اشتراک دلالت بر آن دارد که در این مناطق محدودیت‌های گمرکی و مالیاتی، موانع قانونی به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، نسبت به سایر مناطق کشور کمتر است یا اساساً وجود ندارد.

بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و تعرفه گمرکی، همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نماید.

سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد (UNIDO) منطقه آزاد تجاری را محرکی در جهت تشویق صادرات صنعتی می‌داند. همچنین در برداشت جدید از مناطق آزاد که به منطقه آزاد پردازش صادرات معروف است به ناحیه صنعتی ویژه‌ای در خارج از مرز گمرکی، که تولیداتش جهت‌گیری صادراتی دارند، گفته می‌شود.

در تعریفی دیگر؛ به محدوده جغرافیایی مشخص که قوانین گمرکی محدوده گمرکی کشور در آن اجرا نمی‌شود و به منظور تسهیل در امر واردات و صادرات کالا و حمایت از صنعت داخلی کشور و همچنین جذب فناوری‌های نوین در امر تولید و توسعه منطقه‌ای در مبادی گمرکات و نقاط مرزی کشور ایجاد می‌شود، مناطق ویژه تجاری صنعتی، نامگذاری شده است (منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴).

از جمله مزایای این مناطق نیز بارگیری سریع کشتی و هواپیما از طریق کاهش و حذف موانعی همچون تعرفه‌های تجاری بالا مقررات پیچیده و بازرسی‌های گمرکی است (Sullivan, 2003).

همچنین این نقاط می‌توانند به عنوان مراکز کار و تولید متمرکز که شامل واردات مواد اولیه و قطعات و صادرات محصولات تولید شده باشند (Sargent, ۲۰۰۹).

یکی از علل بروز تعاریف مختلف مناطق آزاد اقتصادی در واقع روند توسعه آنها در طول تاریخ می‌باشد. ساختار ابتدایی اینگونه مناطق در بنادر آزادی شکل گرفت که تنها خدمات آنها ارائه سرویس‌های بازرگانی و انبارداری در محدوده‌ی تاسیسات بندری بود. با گذشت زمان برخی از این بنادر آزاد به مناطق بدون تعرفه گمرکی ارتقاء یافته و تاسیسات تولیدی سبک در آنها جای داده شد. گام بعدی در روند توسعه مناطق آزاد اقتصادی، گسترش نواحی فرآیندهای صادراتی بود که منجر به تشویق توسعه تولید در منطقه با رویکرد صادرات محصولات شد و در نهایت با ارائه سیاست‌ها و مقررات متفاوت از قوانین اقتصاد ملی گام نهایی خود را به سوی فراهم نمودن فضایی مناسب برای سرمایه‌گذاران برداشتند.

در مجموع مناطق آزاد دارای انواع گوناگونی می‌باشند که این تنوع بیانگر وظایف و کارکردهایی بوده که طی دوره‌های گذشته داشته‌اند و گاهی این تنوع صرفاً به خاطر نام‌های مختلفی بوده که به این مناطق اطلاق شده است. مناطق آزاد را بر مبنای تقسیم‌بندی که توسط انجمن پردازش اقتصادی جهان صورت گرفته، می‌توان در چهار گروه تقسیم‌بندی نمود:

۱. نواحی آزاد بزرگ: در این نواحی جمعیت ساکن زیادی زندگی می‌کنند (مانند مناطق آزاد چین)

۲. نواحی آزاد کوچک: مناطق آزادی که در یک بخش محصور شده و معمولاً کمتر از ۸۱۱ هکتار است. این نواحی، جمعیت ساکن دائم نداشته و ساکنین در این نواحی عمدتاً نیروی کار شاغل در آن مناطق آزاد هستند.

۳. مناطق آزادی که برای بخش خاصی ایجاد می‌شوند مانند نواحی برای صنایع خاص نظیر جواهرآلات، نفت و گاز، الکترونیک، نساجی و غیره.

۴. نواحی برای انجام عملیاتی خاص: این نوع مناطق آزاد برای انجام عملیات معین یا بخشی از فرآیند تولید مثلاً بخشی از پروسه تولیدی که در سرزمین اصلی صورت می‌گیرد، ایجاد می‌شود. در این صورت شرکت‌ها در نواحی مختلف کشور مستقر هستند و تنها بخشی از پروسه تولید در این نواحی صورت می‌گیرد. نمونه این نوع مناطق در هند و مکزیک وجود داشته، همچنین پارک‌های تحقیقاتی از دیگر نمونه‌های این نوع مناطق آزاد است.

بیشتر مناطق آزاد جهان را مناطق نوع دوم یعنی نواحی کوچک تشکیل می‌دهند. هند و چین دو کشوری هستند که در آنجا هر چهار نوع منطقه آزاد وجود دارد.

مطالب ذکر شده نشان می دهد که امروزه مناطق آزاد مفهوم و معنای بسیار وسیع تر از قبل از جنگ جهانی دوم و حتی یک دهه پیش دارند. در حقیقت، در بنادر آزاد در گذشته تنها و یا به طور عمده ورود و صدور کالا با هدف گسترش بازرگانی خارجی، بدون حقوق و تعرفه گمرکی مورد توجه بود؛ حال آنکه در تعبیر امروزی، علاوه بر تجارت آزاد به سرمایه گذاری و تولید نیز توجه می شود.

اصطلاحی که بیش از سایر اصطلاحات در مجامع و سازمان های بین المللی و نشریات معتبر علمی جهانی به کار می رود، عبارت "منطقه پردازش صادرات" است. فلسفه رواج این اصطلاح را بایستی ناشی از تغییر در استراتژی توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه طی سه دهه اخیر از استراتژی جایگزینی واردات به استراتژی توسعه صادرات دانست. چنین به نظر می رسد که اصطلاح "منطقه پردازش صادرات" بیش از سایر اصطلاحات، گویای این استراتژی است و بیشتر مبین فعالیت هایی است که در یک منطقه آزاد یا ویژه صورت می گیرد و اهداف آن را گویاتر بیان می کند. پذیرش استراتژی فوق از تغییر در اصطلاحاتی که توسط سازمان های بین المللی نیز به کار می رود به خوبی مشهود است (سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴).

اهداف

اهداف اصلی مناطق ویژه و آزاد شامل مواردی همچون تأمین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی، بهره گیری از مزایا، پتانسیل ها و به طور کلی برتری های نسبی اقتصاد ملی، برقراری ارتباط سیستماتیک بین اقتصاد ملی و جهانی، کسب و افزودن بر مهارت های نیروی کار و مدیریت، تولید و اشتغال، کسب درآمدهای ارزی، جذب سرمایه های خارجی و فناوری پیشرفته می - باشد (سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴). برخی از کشورها هدف های دیگری مانند محرومیت زدایی و توجه به مناطق محروم را نیز دنبال می کنند (خوش چهره، ۱۳۷۷).

تفاوت ها

منطقه آزاد و منطقه ویژه با یکدیگر تفاوت ماهوی دارند. مناطق آزاد مناطقی برای صادرات مجدد و تعامل با اقتصاد جهانی و مناطق ویژه بیشتر مناطق تولیدی و صنعتی محسوب می شوند. هرچند این مناطق در بسیاری از امتیازات و معافیت ها یکسان هستند، اما در برخی دیگر مانند ورود اتباع خارجی به مناطق، معافیت و درصد سرمایه گذاری، ثبت شرکت ها، استفاده از زمین و منابع ملی، معافیت های مالیاتی، عمده فروشی و خرده فروشی، کالاهای همراه مسافر، بانکداری و فعالیت های بیمه ای از

شرایط متفاوتی برخوردارند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷). در مجموع می‌توان گفت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی اگرچه دارای جهت‌گیری‌های مشابهی در راستای آزادسازی هستند، اما در یک سری اهداف، وظایف و امتیازات و تسهیلات با یکدیگر متفاوت هستند. تفاوت اصلی بین این دو در میزان و حدود آزادی عمل از حیث مقررات و قوانین کشور است. آزادی عمل در مناطق آزاد بیشتر است و از مزایای به نسبت وسیع‌تری برخوردارند (محقق، ۱۳۸۶).

جدول ۱. مقایسه شرایط سرمایه گذاری و امتیازات و معافیت ها در مناطق آزاد و مناطق ویژه در ایران

ردیف	شرح موضوع	مناطق آزاد	مناطق ویژه
۱	ورود به مناطق	بدون نیاز به روادید قبلی با رعایت مقررات و ضوابط موضوعه	با صدور روادید در در مبادی ورود و رعایت مقررات و ضوابط موضوعه
۲	اشتغال در مناطق	پس از دریافت مجوز کار از سازمان منطقه طبق مقررات منطقه	پس از دریافت مجوز کار از سازمان منطقه طبق مقررات
۳	اقامت در مناطق برای شاغل و افراد تحت تکفل	پس از دریافت مجوز کار از سازمان منطقه	پس از دریافت پروانه کار در منطقه
۴	سرمایه گذاری و درخواست آن	طبق مقررات مناطق آزاد	طبق مقررات سرزمین اصلی
۵	درصد سرمایه گذاری مجاز	به هر میزان تا صد در صد	طبق مقررات سرزمین اصلی
۶	ثبت شرکت و درخواست آن	طبق مقررات مناطق آزاد	طبق مقررات سرزمین اصلی
۷	استفاده از زمین و منابع ملی	طبق مقررات مناطق	طبق مقررات سرزمین اصلی
۸	معافیت مالیاتی بر فعالیت اقتصادی	سال از روزشروع فعالیت(تولید محصول، شروع هر فعالیت غیرتولیدی)	طبق مقررات سرزمین اصلی با رعایت بعضی تسهیلات در هر منطقه ویژه
۹	استخدام نیروی انسانی مقررات کار	طبق مقررات خاص مناطق آزاد	همانند مقررات خاص مناطق آزاد (قانون جدید مناطق ویژه)

طبق قانون سازمان تامین اجتماعی کشور	طبق قانون سازمان تامین اجتماعی کشور	بیمه خدمات درمانی و تامین اجتماعی	۱۰
همانند مقررات خاص مناطق آزاد) قانون جدید مناطق ویژه(تا ده درصد نیروی انسانی شاغل در منطقه	تا ده درصد نیروی انسانی شاغل در منطقه	استخدام نیروی انسانی خارجی	۱۱
طبق مقررات مناطق آزاد و معاف از حقوق گمرکی	طبق مقررات مناطق آزاد و معاف از حقوق گمرکی	واردات به منطقه و صادرات از منطقه به خارج	۱۲
ورود تا منطقه ویژه معاف از حقوق گمرکی و از منطقه به داخل طبق مقررات داخلی کشور	ورود تا منطقه آزاد معاف از حقوق گمرکی و از منطقه به داخل طبق مقررات داخلی کشور	واردات به منطقه و صادرات از منطقه به داخل کشور	۱۳
طبق ضوابط ارزش افزوده و فرمول تعیین شده	طبق ضوابط ارزش افزوده و فرمول تعیین شده	ورود کالای ساخته شده در منطقه به داخل کشور	۱۴
تا منطقه ویژه: بدون حقوق گمرکی از منطقه به خارج : با حقوق گمرکی	تا منطقه آزاد بدون حقوق گمرکی از منطقه به خارج با حقوق گمرکی	کالا و تجهیزات و مواد اولیه از داخل به منطقه و از منطقه به خارج	۱۵
تا حد امکان منطقه ار لحاظ زمان و مکان	تا حد امکان منطقه ار لحاظ زمان و مکان	ذخیره سازی کالا و مواد در گمرک منطقه	۱۶
به دفعات با صدور تمامی اسناد ترخیص مورد نیاز و گواهی مبداء	به دفعات با صدور تمامی اسناد ترخیص مورد نیاز و گواهی مبداء	ترخیص کالا از گمرک منطقه	۱۷

خرده فروشی	عمده فروشی	خرده فروشی	عمده فروشی	عمده فروشی و خرده فروشی	
فقط به خارجیان به شرط خروج کالا از کشور.	در تمام مناطق چه به ایرانیان و چه خارجیان مجاز است.	۱- به ایرانیان فقط در مناطق کیش، قشم و چابهار ۲- به خارجیان در تمام مناطق بشرط خروج کالا از کشور	در تمام مناطق چه به ایرانیان و چه خارجیان مجاز است		۱۸
فقط بانک‌های داخلی با امکان فعالیت ارزی	بانک برون مرزی Off-Shore بانک‌های داخلی			بانکداری	۱۹
برطبق مقررات مجری در داخل کشور	برطبق مقررات مجری در مناطق آزاد			فعالیت بیمه‌گری	۲۰

• مروری بر مبانی نظری و شواهد تجربی در خصوص تجارت آزاد

ریشه تفکر تجارت آزاد به نظریات بنیانگذار مکتب کلاسیک، آدام اسمیت و طرفداران وی بازمی‌گردد. به اعتقاد آنها محصولی را که می‌توان از طریق تجارت آزاد و بر پایه مزیت نسبی، ارزان‌تر به دست آورد، نباید تولید کرد. کلاسیک‌ها تجارت آزاد را مایه پیشرفت، هم‌سطح شدن کشورها و تکامل قدرت تولیدی و افزایش سرمایه می‌دانستند. در مقابل فردریک لیست بنیانگذار مکتب تاریخی در آلمان، این مسئله را مطرح کرد که بر خلاف دیدگاه کلاسیک‌ها هدف از تجارت خارجی تنها تعویض کالا نیست، بلکه کسب قدرت تولیدی و سیاسی در برابر سایر کشورها می‌باشد. به اعتقاد وی، طرفداران تجارت آزاد با تاکید بر اثرات مبادله کالا، اثرات قدرت‌دهنده به فعالیت‌های تولیدی را نادیده می‌گیرند. لیست مرحله رشد اقتصادی را مورد توجه قرار

داد و اظهار داشت آزادسازی و کاهش حمایت‌های دولتی به نفع کشورهای توسعه‌یافته‌ای است که مراحل اولیه رشد را سپری کرده‌اند و قدرت تولیدی مناسبی برای رقابت دارند، اما کشورهای در حال توسعه که در ابتدای راه هستند، از آزادسازی‌های زود هنگام آسیب خواهند دید و هر نوع مواجهه میان دو اقتصاد در شرایط نابرابری توان تولیدی، منجر به تحمیل اراده اقتصاد قوی‌تر بر اقتصاد ضعیف‌تر و بروز سلطه اقتصادی خواهد شد (لیست، ۱۳۸۰). لیست توصیه کرد کشورها برای جلوگیری از متضرر شدن در تجارت خارجی بر اساس ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و سیاسی خود تصمیم‌گیری کنند و در شرایطی که هنوز در مراحل ابتدایی رشد هستند، دولت‌ها از صنایع داخلی حمایت‌های هدفمندی انجام دهند و بعد از دستیابی به قدرت، کم‌کم این حمایت‌ها را حذف کنند.

یکی از نقدهای جدی لیست به کلاسیک‌ها، تکیه صرف بر مزیت نسبی بود. وی با طرح موضوع خلق مزیت نسبی، توصیه کلاسیک‌ها مبنی بر تجارت بر اساس مزیت نسبی را زیر سوال برد. او راه نجات کشورهای در حال توسعه را خلق مزیت و نه صرفاً اتکا به مزیت‌های نسبی عنوان کرد. از نظر لیست اگر کشورهای در حال توسعه با بنیه تولیدی ضعیف، توصیه طرفداران بازار آزاد را در پیش بگیرند و صرفاً بر مزیت‌های نسبی خود تمرکز کنند، باید تا ابد به صادرات مواد خام و کالاهای با ارزش افزوده پایین اکتفا کنند و هیچ‌گاه مسیر رشد صنعتی را در پیش نگیرند. تجارت آزاد بدون لحاظ شرایط و بسترهای اولیه هر کشور، منافع اقتصاد ملی را به خطر می‌اندازد (لیست، ۱۳۸۰).

نکته حائز اهمیت دیگری که معمولاً در نظریات مربوط به آزادسازی تجاری نادیده گرفته می‌شود، تدوین استراتژی توسعه صنعتی است. کمتر کشوری وجود دارد که در توسعه صادرات به موفقیت چشمگیری دست یافته باشد؛ اما پیش از آن به طراحی یک استراتژی توسعه صنعتی اقدام نکرده باشد. مثال بارزی که می‌توان به آن اعتنا کرد، کشورهای شرق آسیا هستند. هاجون چانگ در بررسی تاریخی عملکرد موفق‌ترین کشورهای شرق آسیا مثل کره و ژاپن، نشان می‌دهد که یکی از دلایل اصلی موفقیت این کشورها طراحی سیاست‌های فعالانه صنعتی است. این کشورها نیز مانند کشورهای غربی، صنایع راهبردی خود را مشخص کردند و سیاست‌های حمایتی صنعتی، تجاری و فناوری فعال خود را از این بخش‌ها به عمل آوردند. دولت در این کشورها با طراحی الگوی سیاست صنعتی و حمایت از صنایع نوپا، راه را به سوی تجارت آزاد تسهیل کرد. (مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۸). این کشورها از سیاست‌های صنعتی برای تقویت بخش‌های تولیدی موردنظرشان بهره گرفتند تا صادرات را افزایش دهند (چانگ، ۱۳۹۲).

در مجموع باید گفت حرکت به سمت آزادسازی نیازمند بسترسازی‌های اولیه و تقویت بنیه تولید است تا بهره‌مندی از مزایای آزادی تجاری محقق گردد.

• عوامل کلیدی در موفقیت مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری

امروزه مناطق آزاد و ویژه به عنوان یکی از پایه‌های اقتصادی در افزایش صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی سهم بزرگی از اقتصاد کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهند. اما اینکه منطقه خاصی به عنوان منطقه آزاد نامگذاری شده و صرفاً اهداف و فعالیت خاصی برای آن منظور شود، منجر به رشد اقتصادی و تحول مثبت در منطقه نخواهد شد (لطیفی و امین آقایی، ۱۳۸۵). بی‌شک، موفقیت مناطق آزاد تجاری به شرایط و عوامل بستگی دارد که برخی از آنها بازدارنده و بعضی دیگر تسهیل‌کننده هستند. از جمله این عوامل می‌توان به پیش‌نیازهای لازم شامل زیرساخت‌های موردنیاز، قوانین سهل‌گیرانه و سیاست‌های تشویقی اشاره نمود که در ادامه توضیحات مربوطه ارائه خواهد شد.

• شفافیت اهداف و استراتژی

تأسیس این مناطق در جهان، بیشتر در کشورهایی با موفقیت همراه بوده است که حرکت پیوسته و باثباتی را در سطح ملی برای جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی-اجتماعی خود سازمان داده و ورود به عرصه تولید و تجارت در جهان را در دستور کار خویش قرار داده‌اند. بدین معنا، ایجاد مناطق آزاد در هر کشور را نه به صورت اقدامی مجزا از اقتصاد ملی، بلکه باید به منزله ابزاری برای توسعه صنعتی و بخشی از راهبردهای کلان برای توسعه اقتصادی-اجتماعی تلقی کرد.

بانک جهانی (۱۹۹۲) هدف از ایجاد مناطق آزاد تجاری در کوتاه‌مدت را افزایش صادرات، ایجاد فرصت‌های اشتغال، ترغیب سرمایه و شتاب بخشیدن به توسعه منطقه و در درازمدت، انتقال تکنولوژی، کسب و ارتقای مهارت‌های مدیریتی و رشد اقتصاد کشور می‌داند (رهنورد، ۱۳۸۹). از این روی ضروری است تا با برنامه‌ریزی و اتخاذ سلسله تصمیمات متوالی و متناسب با زمان و توجه به قابلیت‌های منطقه؛ حصول اهداف این مناطق را پیگیری کرد.

عدم موفقیت نسبی در تجربه کشورهای در حال توسعه، اغلب به شفاف نبودن اهداف و استراتژی‌ها بازمی‌گردد. این کشورها بدون توجه به پتانسیل‌ها، امکانات و محدودیت‌های خود و صرفاً تحت تأثیر موفقیت چند کشور دیگر، اقدام به تأسیس چنین مناطقی نموده‌اند. درحالی‌که موفقیت کشورهای نظیر کره دقیقاً در راستای اتخاذ استراتژی‌های صحیح و اصولی و با برخورداری از امکانات مطلوب داخلی و شرایط خارجی از نظر تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت گرفته است.

اولین کشورهای موفق جنوب شرقی آسیا زمانی به طرح مناطق آزاد توجه کردند که تولید کالاهای صنعتی در زمینه پوشاک و الکترونیک نیازمند به کارگر ارزان و فراوان بوده و لذا سرمایه‌گذاران خارجی ترغیب شدند که در این رشته‌ها سرمایه‌گذاری کنند. معذک نتایج نامطلوب و عوارضی که برخی مناطق آزاد تجاری در کشورهای آسیایی به دنبال داشته‌اند ارزیابی مجدد چنین مناطقی را برای توسعه اقتصادی ضروری

می‌نمایاند، چرا که در صورت عدم تطابق طرح مناطق آزاد با استراتژی توسعه کشور امکان بروز دوگانگی در اقتصاد داخلی کاملاً مشهود است (رهنورد، ۱۳۸۹).

• بنیة تولیدی، زمان مناسب و خلق مزیت

با توجه به مبانی نظری مربوط به تجارت آزاد به‌ویژه رهنمودهای فردریک لیست، می‌توان چنین اظهار داشت که توجه به چگونگی وضعیت کشورها در زمینه مراحل رشد اقتصادی، شرایط سیاسی و اجتماعی و سنجش میزان قدرت تولیدی از عوامل مهم در موفقیت مناطق آزاد می‌باشد. در واقع پرهیز از آزادسازی‌های زودهنگام و هر نوع مواجهه اقتصادی میان کشورهای مختلف آن هم در شرایطی که از توان تولیدی نابرابر برخوردار هستند، منجر به پیشگیری از آسیب دیدن کشورهای ضعیف‌تر در برابر کشورهای قوی‌تر خواهد شد. همچنین پرهیز از تجارت صرف بر اساس مزیت نسبی و توجه به خلق مزیت در اقتصاد موجب جلوگیری از افتادن کشورهای در حال توسعه در مسیر صادرات کالاهایی با ارزش افزوده پایین و مواد خام می‌گردد. بنابراین خلق مزیت می‌تواند عامل مهمی در موفقیت عملکرد مناطق آزاد باشد (لیست، ۱۳۸۰).

• مطلوبیت مکانی، موقعیت جغرافیایی و تأمین زیرساخت‌ها

در نگاه استراتژیک، مطلوبیت مکانی و موقعیت جغرافیایی از ضروری‌ترین عوامل مهم برای ایجاد منطقه آزاد و ویژه به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که مکان‌یابی درست از نظر قابل دسترس بودن و نزدیکی به بازارهای هدف داخلی، منطقه‌ای و جهانی، امنیت جغرافیایی، دسترسی به آب‌راه‌های آزاد و وجود تاسیسات و شبکه حمل‌ونقل، بسیار قابل اهمیت است و می‌تواند در موفقیت یا عدم موفقیت یک منطقه آزاد نقش به‌سزایی داشته باشد (رهنورد، ۱۳۸۹). بنابراین انتخاب منطقه جغرافیایی مناسب یکی از الزامات اولیه برای ایجاد این مناطق است.

از سوی دیگر یکی از اصول مهم و موثر توسعه اقتصادی در این مناطق، بهره‌گیری از زیرساخت‌های مهم و اساسی است تا منطقه برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی جاذبه لازم را داشته باشد. اما توجه به این ضرورت انکار ناپذیر مستلزم صرف هزینه‌ها و وقت بسیاری است. در همین راستا لازم است منطقه‌ای انتخاب شود که از زیرساخت‌های موردنیاز برخوردار باشد و یا دست‌کم منابع لازم برای ایجاد این زیرساخت‌ها را داشته باشد (جدول ۲). الزامیست قبل از هر اقدامی در این زمینه، تحلیل هزینه-فایده، انجام شود زیرا با مکان‌یابی نادرست، احتمال آن می‌رود که هزینه ایجاد زیرساخت‌ها در یک منطقه بیش از منافع حاصل از آزاد اعلام کردن آن منطقه باشد. به‌طور مثال بر اساس تحلیل هزینه-فایده، در مناطق آزاد فیلیپین هزینه زیاد ایجاد زیرساخت‌ها منجر به زیان خالص اقتصادی آنها شد و در مقابل با همین تحلیل، مناطق آزاد چین و کره جنوبی، به دلیل انتخاب منطقه مناسب به لحاظ موقعیت زیرساختی، از نفع خالص بهره‌مند شدند.

بنابراین مکان‌یابی نادرست منطقه آزاد و ویژه نه تنها منفعتی در بر ندارد بلکه هزینه بیشتری را تحمیل می‌کند. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰)

• سیاست‌های تشویقی و قوانین روشن

یکی دیگر از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای لازم برای موفقیت این مناطق، قوانین شفاف و باثبات است. شفافیت و ثبات قوانین به عاملین اقتصادی کمک می‌کند تا تصمیمات خود را برای بازه‌های بلندمدت اتخاذ نمایند. در مقابل عدم شفافیت و ثبات در قوانین، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری را در پی خواهد داشت. با توجه به اینکه جلب سرمایه‌های خارجی، از اهداف اصلی ایجاد مناطق ویژه و آزاد می‌باشد بنابراین، شفافیت قوانین در این مناطق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

جدول ۲. زیرساخت‌های لازم برای ایجاد مناطق آزاد

انتخاب مکان استراتژیک	پشتیبانی قانونی دولت	زیربنها و خدمات در سطح جهانی	صنایع پیشنهادی	نیروی کار	فن‌آوری اطلاعات
وجود امکانات زیربنایی و یا امکان ایجاد زیربناهای موردنیاز با قیمت ارزان (از لحاظ موقعیت جغرافیایی و زیست‌محیطی منطقه)، دوری از نواحی بحران‌زا،	وجود مشوق- های مالیاتی، وجود قوانین سهل و آسان- گیرانه برای سرمایه‌گذاری خارجی، معافیت‌های تعرفه‌ای برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی،	دسترسی به انرژی‌ها از قبیل برق، گاز، نفت و فراورده‌های نفتی وجود امکانات جهت تولید و انبار کردن کالا	وجود جاده- های مناسب حمل و نقل، دسترسی به شبکه‌های حمل و نقل سرزمین اصلی، وجود فرودگاه‌های محلی و یا دسترسی آسان و سریع به فرودگاه‌های	دسترسی آسان و ارزان به نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده، امکان آموزش نیروی کار، استفاده از قوانین سهل- گیرانه و آسان در استفاده از نیروی کار	وجود زیربناهای فناوری اطلاعات و امکان دسترسی آسان در تمامی نقاط منطقه به اینترنت پرسرعت

<p>نزدیکی به مبادی خروج کالا از سرزمین اصلی و ارسال کالا به بازارهای خارجی، دسترسی به راه‌های بین‌المللی و داخلی</p>	<p>اعمال قوانین متفاوت و سهل در زمینه اقتصادی و تجاری نسبت به سرزمین اصلی به منظور تشویق سرمایه‌گذاران، حمایت قانونی از ایجاد و توسعه صنایع</p>		<p>سرزمین اصلی، نزدیکی به خطوط کشتیرانی</p>		
--	---	--	---	--	--

مروری بر تجربه کشور چین و بررسی دلایل موفقیت آن

• تاریخچه

در سال ۱۹۸۷، کشور چین سیاست اصلاحات و درهای باز را برای ارتباط و همکاری با مناطق و کشورهای جنوب شرقی آسیا با اهداف توسعه و بازسازی اقتصاد کشور خود اتخاذ کرد و به تدریج ۵ شهر ساحلی را به عنوان منطقه ویژه اقتصادی انتخاب نمود. این مناطق عبارتند از شهر شن‌جن^۱ برای ارتباط با هنگ‌کنگ، جوحای^۲ برای ارتباط با ماکائو، شانتو^۳ برای ارتباط با کشورهای آسیای شرقی و شیامن^۴ برای ارتباط با تایوان. پس از آن نیز جزیره هانیان^۵ در جنوبی‌ترین نقطه چین به عنوان منطقه ویژه اقتصادی اعلام شد. همچنین در سال ۱۹۸۴ به ۱۴ شهر ساحلی چین اجازه تأسیس مناطق آزاد تجاری داده شد و در سال ۱۹۹۰، منطقه اقتصادی پودونگ در ناحیه شانگهای به عنوان پروژه ملی تصویب شد. در این پروژه ایجاد مناطق مالی، تجاری، صنعتی، فراوری صادرات و جذب دانش فنی در محدوده‌ای مجزا مد نظر گرفته شد. در سال

^۱ Shenzhen

^۲ Zhuhai

^۳ Shantou

^۴ Xiamen

^۵ Hanian

۱۹۹۲ سیاست‌های ترجیحی به شهرهای استان‌های ساحلی به خصوص در مجاورت رودخانه یانگ تسه و تعدادی از شهرهای مرز شمال شرقی گسترش یافت. تاثیر ایجاد مناطق تجاری در میزان افزایش تولید این بخش‌ها منعکس شد. برای مثال در منطقه شن جن تولید در سال ۱۹۹۰ نسبت به سال ۱۹۷۹، ۷۰۰ درصد رشد داشت. رشد درآمد این منطقه در همین زمان ۵۸۰ درصد، رشد تولیدات صنعتی ۲۶۸۰ درصد، رشد صادرات ۳۲۰۰ درصد و رشد سالانه تولید، بیش از ۴۷ درصد بود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵).

همچنین گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO, ۲۰۰۳, ۲۰۰۷) حاکی از آن است که تا سال ۲۰۰۶ در مجموع ۱۶۴ منطقه پردازش صادرات و انواع دیگر مناطق ویژه در چین ایجاد شده است که در حدود ۴۰ میلیون نفر- شغل در این مناطق اشتغال ایجاد شده و ۴۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گرفته است. به تعداد ۴۵۶۸۹۲، بنگاه در این مناطق مستقر شده‌اند و سهم این مناطق از صادرات کلایی کل کشور ۸۸ درصد در سال ۲۰۰۲ برآورد شده است. همچنین سهم صادرات مناطق پردازش صادرات در کشور چین از ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به حدود ۵۷ درصد در سال ۱۹۹۹ رسیده است (التجایی، ۱۳۸۸).

قبل از ایجاد مناطق ویژه و آزاد در چین، در این کشور تجربه اندکی در روابط تجاری با شرکت‌های خارجی و مدیریت ارز وجود داشت. بنابراین محیط سرمایه‌گذاری در اوایل دهه ۱۹۸۰ برای اجرای اقتصاد بازار مناسب نبود، اما به تدریج، افراد و بخش‌های دست‌اندر کار که تجربه اندک و آموزش‌های پایینی داشتند، در جریان کمک‌ها و آموزش شرکت‌های خارجی قرار گرفته و تجارب مفیدی کسب کردند. همچنین مناطق آزاد از نظام مدیریت بسته به اقتصاد رقابتی و توسعه اجتماعی تغییر جهت داده و با گسترش و افزایش سیاست‌های ترجیحی موفق شدند سرمایه‌های زیادی را از چینی‌های خارجی و دیگران جذب کنند. اگر چه سیاست‌های اجرائی در این مناطق به وسیله دولت مرکزی اتخاذ شده و از خط مشی اقتصاد متکی بر برنامه‌ریزی تبعیت می‌کنند، اما عملاً نیروهای بازار نقش اصلی و عمده را در این مناطق دارند (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۵).

دولت مرکزی چین برای روند توسعه این مناطق سه مرحله را در نظر گرفته است که عبارتند از:

۱- دوره ابتدایی از زمان بنیانگذاری و تأسیس تا ساخت امور زیربنایی.

۲- مرحله توسعه و ساختن یک اقتصاد متکی بر صادرات

۳- مرحله شتاب در رشد و توسعه مناطق (از سال ۱۹۹۰ به بعد).

مناطق ویژه اقتصادی چین در چهار گروه مناطق توسعه اقتصادی و فن‌آوری^۶، مناطق پردازش صادرات^۷، مناطق محصور^۸ و مناطق توسعه صنایع دارای فن‌آوری بالا^۹ تقسیم‌بندی می‌شوند. تأسیس مناطق توسعه اقتصادی و فن‌آوری چین به سال ۱۹۸۴ باز می‌گردد. مناطق محصور و مناطق توسعه صنایع دارای فن‌آوری

^۶ Economic and Technical Development Zone (ETDZ)

^۷ Export Processing Zone (EPZ)

^۸ Bonded Zone (BZ)

^۹ High Technology Industrial Development Zone (HTIDZ)

بالا نیز از اقدامات دهه ۱۹۹۰ است و سرانجام، مناطق پردازش صادرات از آغاز هزاره سوم میلادی پا به عرصه گذاشته است.

• عوامل موفقیت مناطق آزاد چین

اگرچه نمی‌توان موفقیت تجربه مناطق آزاد را جدا از موفقیت اقتصاد چین در دو دهه اخیر ارزیابی کرد، اما مهم‌ترین عوامل موثر بر عملکرد موفق این مناطق عبارتند از بسترهای نهادی، زیرساخت‌های اقتصادی و سیاست‌ها و مقررات انگیزشی.

الف- بستر نهادی

نهادهای اجتماعی و سیاسی نقش قابل توجهی بر تحول اقتصاد چین داشته‌اند. صاحب‌نظران چینی در بررسی علل عدم رشد و توسعه (علی‌رغم عوامل مثبت مانند صنایع اولیه و مادر یا ویژگی تلاش، نظم و صرفه‌جویی چینی‌ها) به این نتیجه رسیدند که نقطه کور مساله، فقدان فضای مناسب کسب و کار و محیط نامناسب برای تولید و بهره‌وری است که محصول اقتصاد غیررقابتی به‌شمار می‌رود. آن‌ها دریافتند که استعداد چینی‌ها و اقوام دیگر در فضای نهادی ویژه‌ای شکوفا شده و سرعت می‌گیرد که در آن فضا حقوق مالکیت، رقابت، وجود سازمان‌های پاسخگو، آزادی سیاسی، فرهنگ خدمت و تلاش و بالاخره سنت عدالت و مساوات در برابر قانون وجود داشته باشد. با چنین زمینه‌ای، اقتصاد چین از اواخر دهه ۱۹۸۰ به سوی برخی اصلاحات نهادی مانند استقرار تدریجی محیط رقابتی، حمایت از حقوق مالکیت، حرکت به سمت باز کردن اقتصاد به روی سرمایه‌گذاران خارجی، برقراری امنیت و ثبات در داخل و روابط خارجی و عدالت قضائی، رفت. در کنار این اصلاحات، نقش اقتصادی دولت در مدیریت و ثبات بخشی بر فرآیند توسعه تقویت شد. موثر بودن اصلاحات نهادی وابستگی کامل به کارایی بستر اجرائی و اداری دارد. به عبارت دیگر باید در کنار اصلاح نگرش سیاستگذاری و مقررات، به مسائل اساسی مانند عدم تغییرات اساسی و کوتاه‌مدت در مقررات و روندهای اجرائی، کاهش فساد اداری، تسهیل ترتیبات و تشریفات اجرائی و یکسان و شفاف‌سازی روندهای نظارتی توجه اساسی شود تا محیط مناسب و مقررات مساعد به وسیله تنگناهای اجرائی و اداری خنثی نشود. بنابراین اگر موفقیتی در مناطق آزاد چین مشاهده می‌شود تا حد زیادی مدیون احساس امنیت سرمایه‌گذاران خارجی و محیط مناسب کسب و کار است که در اثر اصلاحات نهادی حاصل شد. به عنوان نمونه در ۱۵ سال منتهی به ۱۹۹۷، تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۶۳۸ پروژه به ۱۸۶۴۴ است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵).

ب- زیرساخت‌های اقتصادی

برتری و مزیت مناطق آزاد چین در این اصل اساسی نهفته است که فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری صنعتی و تجاری در این مناطق فراهم شد و با مساعدت‌های جدی دولت، زیرساخت‌های لازم برای بهبود شرایط تولید، کاهش هزینه محصولات، انتقال مدیریت تکنولوژی و در نهایت امکان بازاریابی برای محصولات چینی به وجود آمد. گرچه اصلاح سیاست‌ها و مقررات عامل مهمی به‌شمار می‌رود، اما آمادگی زیرساخت‌های مناسب برای تولید و صادرات و تقویت توان فنی - اداری مناطق آزاد، کمک شایانی به روند توسعه صنعتی و توان رقابت چین کرد. از سوی دیگر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی الگوی مناسبی برای دیگر مناطق شد و این مناطق بر سطح اشتغال، ترازپرداخت‌ها، تراز بازرگانی، تقویت بازار سرمایه و به‌طور کلی اصلاح مسیر توسعه اقتصاد ملی اثر گذاشت.

وجود زیرساخت‌های قوی و پیشرفته که یا به‌صورت مستقیم به‌وسیله دولت احداث شده یا با پشتوانه و تسهیلات دولتی به‌وسیله بخش خصوصی شکل گرفته است، باعث گردیده که کیفیت و هزینه تولید کاملاً در حد رقابت بین‌المللی شود و با توجه به سهولت و جذابیت مقررات، امکان جذب سرمایه‌ها و فناوری خارجی وجود دارد. به‌طوری که بنا بر گزارش تجاری ماهانه چین، سهم شرکتهای خارجی - چینی در صادرات چین، از ۳۵/۲ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۴۳/۱ درصد در سال ۱۹۹۸ بالغ شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵).

ج- سیاست‌ها و مقررات انگیزشی

- در هر چهار نوع منطقه ویژه چین معافیت مالیاتی دو ساله و تخفیف ۵۰ درصدی سه ساله برقرار است. برای بنگاه‌های به‌کارگیرنده فناوری سطح بالا سه سال دیگر تخفیف ۵۰ درصدی در نظر گرفته شده و برای بنگاه‌های صادرات‌گرا از زمانی که ارزش صادراتشان از ۷۰ درصد بیشتر شود نرخ مالیات ۱۰ درصدی اعمال می‌شود ۵ درصد کمتر از نرخ معمول).
- مناطق محصور و پردازش صادرات از عوارض و مالیات بر ارزش افزوده تجهیزات مدیریتی و اداری و مواد خام وارداتی معاف هستند. در دو منطقه دیگر این معافیت ویژه بنگاه‌های صادرات‌گرا است.
- دو منطقه محصور و پردازش صادرات از اخذ گواهینامه برای مواد خام، تجهیزات و لوازم اداری وارداتی در جهت پردازش معافند و دو منطقه دیگر فقط در موارد خاص از این معافیت بهره‌مندند.
- فروش داخلی تولیداتی که از مواد خام وارداتی استفاده کرده‌اند در مناطق محصور با پرداخت مالیات بر اساس مواد خام وارداتی و در سه منطقه دیگر با پرداخت مالیات به‌عنوان کالای نهایی امکان‌پذیر است.
- بازگشت مالیاتی (ارزش افزوده) برای کالای نهایی ساخته شده از مواد داخلی در مورد مناطق پردازش صادرات پس از ورود مواد به منطقه و در مورد سه منطقه دیگر در صورت خروج کالا از قلمرو چین امکان‌پذیر است.

- ضمانت‌نامه بانکی در مناطق محصور و پردازش صادرات لازم نیست؛ اما در دو منطقه دیگر لازم است.
- بازگشت مالیاتی برای سرمایه‌گذاری مجدد در مناطق توسعه اقتصادی و فناوری و مناطق توسعه صنایع دارای فن‌آوری سطح بالا ۴۰ درصد و برای بنگاه‌های صادرات‌گرا و کاربران فن‌آوری سطح بالا بطور کامل است (التجایی، ۱۳۸۸).

معرفی و آسیب‌شناسی عملکرد مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری کشور

• فلسفه ایجاد مناطق ویژه و آزاد در کشور

وابستگی شدید اقتصاد ایران به تک محصول نفت و دلارهای نفتی، همواره کشورمان را با مشکلات عدیده مواجه ساخته است. نوسانات شدید درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی را متأثر و ضربه‌پذیر ساخته است. از این‌رو بر اساس خط‌مشی شماره ۴ قانون برنامه اول توسعه مبنی بر «ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر تولید محصولات استراتژیک و مهار تورم» از طریق: « برداشتن کلیه موانع و ایجاد همه‌گونه تسهیلات برای توسعه صادرات کالاهای صنعتی براساس مزیت‌های کشور از جمله ایجاد مناطق صنعتی آزاد جهت استقرار صنایع تولیدکننده محصولات صادراتی و جذب سرمایه در این صنایع» (بند ۳۹ خط مشی شماره ۴)، ایجاد مناطق آزاد در دستور کار قرار گرفت.

به موجب تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه مصوب ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی، به دولت اجازه داده شد حداکثر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور، مناطق آزاد تجاری صنعتی تأسیس نماید. همچنین قانون چگونگی اداره این مناطق در ۷ شهریور ۱۳۷۲ در ۲۶ ماده و ۴ تبصره به تأیید مجلس شورای اسلامی رسید و مجوز اداره مناطق آزاد جزیره کیش، قشم و چابهار به عنوان مناطق آزاد تجاری-صنعتی صادر گشت (کامران، ۱۳۸۱).

اجازه تأسیس مناطق ویژه اقتصادی یا مناطق حراست شده گمرکی نیز از برنامه اول تا سال ۱۳۸۴ به دولت سپرده شده بود که مطابق تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی این تصمیم نیز به مجلس سپرده شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷).

• هدف از تأسیس مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

- ماده ۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران هدف از تأسیس این مناطق را تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و

افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی می‌داند.

- به موجب ماده ۱ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی ایران، هدف از تأسیس مناطق ویژه پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی و برقراری ارتباط تجاری بین‌المللی و تحرک در اقتصاد منطقه‌ای و تولید و پردازش کالا، انتقال فناوری، صادرات غیرنفتی، ایجاد اشتغال مولد و جلب و تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، صادرات مجدد، عبور خارجی (ترانزیت) و انتقال کالا (ترانشیب) تعیین شده است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

• امتیازات قانونی

- امتیازات قانونی مناطق آزاد
 - آزادی ورود و خروج سرمایه و سود حاصل از آن
 - حمایت و ضمانت سرمایه‌های خارجی، آزادی عمل در اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تامین اجتماعی
 - معافیت مالیاتی بیست ساله
 - تجویز تأسیس بانک‌ها و بیمه‌های خارجی
 - مشارکت خارجی‌ان در فعالیت‌های اقتصادی به هر نسبت
 - برخورداری از مقررات خاص در صادرات واردات و امور گمرکی
 - لغو روادید و سهولت در صدور مجوز ورود اقامت خارجی‌ان
 - انتقال سهم داخلی کالاهای تولید شده در این مناطق به سایر نقاط بدون تشریفات گمرکی و ثبت سریع شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰)

- امتیازات قانونی مناطق ویژه اقتصادی

- خارج از قلمرو داخلی گمرک و ورود و خروج کالا بدون رعایت مقررات عمومی صادرات و واردات
- معافیت از عوارض معمول کشور
- مستثنا بودن از قانون کار و تبعیت از مقررات اشتغال مناطق آزاد
- صدور مجوزهای اقتصادی توسط سازمان مسئول منطقه و کاهش مقررات دست و پاگیر اداری
- ورود بدون تشریفات درصدی از کالاهای تولید شده به نسبت ارزش افزوده داخلی
- اختیار استفاده و بهره‌برداری از اراضی دولتی (اراضی زمین شهری و منابع ملی) توسط سازمان مسئول دولتی

- ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی بر اساس مقررات مناطق آزاد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

• مهم‌ترین تفاوت‌های مناطق آزاد و ویژه در ایران

- تمامی فعالیت‌های اقتصادی در مناطق آزاد براساس قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی از معافیت مالیاتی بیست ساله از تاریخ بهره‌برداری مندرج در مجوز برخوردارند، این در حالی است که مناطق ویژه، مشمول معافیت مالیاتی مربوط به استان خود بوده و طبق ماده ۱۳۲ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم فعالیت‌های تولیدی و معدنی (بخش‌های تعاونی و خصوصی) به مدت ۴ سال از تاریخ بهره‌برداری و یا استقرار در مناطق کمتر توسعه یافته به مدت ۱۰ سال (حسب شرایط مندرج در قانون) به میزان ۸۰ درصد مشمول معافیت‌های مالیاتی می‌باشند.
- درخصوص روادید نیز طبق قوانین وضع شده، روادید مناطق آزاد از دو هفته به ۶ ماه، قابل تمدید می‌باشد. همچنین برای اقامت یک ساله صدور پروانه اشتغال مستقر در سازمان هر منطقه الزامی است. در عین حال، برای اقامت طولانی‌تر (۲ تا ۵ ساله) حسب درخواست کتبی سازمان و صدور روادید توسط نمایندگی دایره امور اتباع خارجی منطقه ویژه انتظامی، این امکان فراهم می‌شود. در این مناطق علاوه بر ورود مستقیم، از سایر مبادی کشور روادید چهار روزه بدون استعلام از مرکز یا دستگاه‌های اجرایی توسط نمایندگی خارج از کشور و یا نمایندگان نیروی انتظامی مستقر در مبادی ورودی صادر می‌شود. در صورتی که مناطق ویژه، تابع مقررات داخلی موضوعه خود هستند.
- بانک‌ها و بیمه‌ها در مناطق آزاد، از مقررات خاص فعالیت‌های بانکی و بیمه‌ای اعم از داخلی و خارجی تبعیت می‌کنند؛ اما مناطق ویژه اقتصادی تابع مقررات داخلی خود هستند.
- سازمان مناطق آزاد موظف است مسائل امنیتی و انتظامی را در حوزه تحت امر خود برقرار نماید. این رو رئیس منطقه آزاد به عنوان رئیس شورای تامین و ویژه انتظامی است و قوانین موضوعه از جمله مقررات امنیتی و انتظامی، آیین نامه راهنمایی و رانندگی، آیین نامه مرزبانی، آیین نامه چگونگی اداره اماکن، مقررات ورود و اقامت اتباع خارجی را که طبق بند (د) ماده ۴ قانون چگونگی اداره مقررات مناطق آزاد فوق پس از تصویب هیئت وزیران به تایید فرماندهی کل قوا نیز رسیده است، به مرحله اجرا می‌گذارد. حال آنکه مناطق ویژه باز هم تابع مقررات داخلی خود می‌باشند.
- سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از قوانین و مقررات خاص سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد که جز مقررات داخلی این مناطق هستند تبعیت می‌کنند؛ اما مناطق ویژه اقتصادی بر اساس قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و آیین نامه‌های اجرایی آن عمل می‌کنند.

• مناطق آزاد به عنوان شرکت دولتی شناخته شده و طبق قانون، عزل و نصب مدیران سازمان‌ها و نیز مدیریت این مناطق، بر عهده هیئت وزیران به عنوان شورای عالی این مناطق است. در حالی که مناطق ویژه اقتصادی شامل بخش‌های دولتی و غیردولتی بوده و انتخاب مدیران این مناطق حسب مورد بر عهده سازمان‌های مسئول مربوطه است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰)

• علل عدم موفقیت مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری در کشور

با وجود جالب توجه بودن اهداف و انگیزه‌های ایجاد مناطق آزاد و ویژه در ایران به دلیل انحراف از فلسفه و اساس فعالیت مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری (که بر تولید و عملیات صنعتی، گردش تجارت و توسعه صادرات غیرنفتی استوار است) و نیز نواقص ناشی از عدم تطابق ابزارها با راهبرد توسعه، اهداف اصلی محقق نشد (خوش‌چهره، ۱۳۷۷). علت شکست ایران در بهره‌گیری از منافع مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری را می‌توان در چند دسته زیر طبقه‌بندی کرد:

دسته اول: بی‌توجهی به تولید

عدم توجه به تولید به عنوان محور اصلی توسعه تجارت یکی از دلایل مهم عدم موفقیت این مناطق است. بی‌توجهی به تولید و تکیه صرف بر مزیت‌های نسبی و جهت‌گیری به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی در این مناطق، باعث گردیده است که تولیدات این مناطق و نوع آن از آنچه مورد انتظار است، فاصله زیادی داشته باشد. مناطق آزاد زمانی می‌توانند سکویی برای صادرات باشند که اساساً تولیدی صورت گرفته باشد. بی‌توجهی به خلق مزیت، موجب صادرات مواد خام و کالاهایی با ارزش افزوده پایین در این مناطق شده است. مناطق آزاد زمانی می‌توانند کارکرد توسعه‌ای داشته باشند که برنامه مشخصی برای تولید داشته باشیم در غیر اینصورت این مناطق، مکانی برای واردات خواهد شد.

دسته دوم: انتخاب نقطه جغرافیایی نامناسب و عدم وجود زیرساخت‌های لازم

لازمه توسعه این مناطق، انتخاب صحیح موقعیت جغرافیایی و وجود زیرساخت‌های مناسب است. عدم وجود زیرساخت‌های ضروری، چالش مناطق آزاد و ویژه در ایران می‌باشد. همچنین سهم ناچیز این مناطق از بودجه عمومی کشور و کافی نبودن درآمدهای اختصاصی این مناطق برای ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز، از موانع اصلی مناطق مذکور در دستیابی به اهداف تعیین شده بوده است. باید در نظر داشت که دستیابی به اهداف مورد نظر در مناطق آزاد و ویژه، مستلزم تامین بخش قابل توجهی از امکانات زیربنایی و نیازهای اولیه این مناطق پیش از آغاز فعالیت است. این در حالی است که آماده‌سازی زیرساخت‌ها از همان ابتدا مورد غفلت واقع شد، به طوری که پیش از ایجاد این مناطق، زیرساخت‌های لازم

برای آنها فراهم نشد و سیاست ایجاد زیرساخت‌ها از محل درآمدهای این مناطق پس از افتتاح و شروع به‌کار، اتخاذ شد. در میان زیرساخت‌ها، تاسیسات گروه انرژی و حمل و نقل که نیاز به منابع مالی گسترده‌ای دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا ابزارهای مناسب حمل و نقل تاثیر به‌سزایی در موفقیت منطقه داشته و ناکارا بودن سیستم حمل و نقل عملاً فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی را سلب می‌کند. هر سرمایه‌گذار برای انتخاب مکان سرمایه‌گذاری، ابتدا اقدام به بررسی زیرساخت‌های موجود آن منطقه می‌کند و اگر زیرساخت‌ها ناقص یا ناکافی باشند، مکان دیگری را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌نماید. این موضوع با توجه به وجود مناطق آزاد سایر کشورهای جهان مانند جبل علی امارات در منطقه خاورمیانه، تاثیر زیادی در جذب سرمایه‌های خارجی به این مناطق به جای مناطق آزاد ایران داشته است.

با ارزیابی مکان‌یابی مناطق آزاد و ویژه در ایران درمی‌یابیم که مناطق مذکور بعضاً در محروم‌ترین نقاط جغرافیایی کشور به لحاظ زیرساختی جانمایی شده‌اند. مقصود از محرومیت عبارت است از فقدان تاسیسات زیربنایی، زیرساختی و انرژی در منطقه؛ سطح بسیار پایین استانداردهای زندگی، زیست‌محیطی و بهداشتی؛ فقدان نیروهای تحصیلکرده و ماهر در منطقه؛ دور بودن از شهرهای بزرگ؛ اقتصاد محلی ضعیف و درونگرا، ظهور و بروز پدیده‌هایی همچون قاچاق و ... انتخاب نقاط جغرافیایی محروم برای ایجاد این مناطق و عدم تعهد دولت در تامین نیازهای اولیه، نه تنها این مناطق را به عامل توسعه منطقه‌ای تبدیل نموده است بلکه مشکلات خاص آنها را به نابسامانی‌های مناطق محروم نیز افزوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

از طرفی این مناطق برای تامین اعتبار با مشکلاتی رو به رو هستند و تامین اعتبار مورد نیاز این مناطق بسیار کمتر از نیازهای آنها بوده است. از اینرو مناطق مجبورند برای فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم بدون توجه به اهداف این مناطق، به منابع درآمدی خود تنوع بخشند. این مساله به تلاش این مناطق برای کسب درآمد به هر طریق ممکن منجر گردیده است. این مساله از دلایل اصلی تبدیل شدن این مناطق به سکوی وارداتی و فروش اراضی به عنوان منبعی برای کسب درآمد است که یکی از دلایل انحراف این مناطق از اهداف اصلی ایجاد آنهاست. منوط شدن بودجه مناطق به واردات کالا، منجر به غفلت آنها از اهداف اولیه تأسیس نظیر تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری شده و فعالیت این مناطق عمدتاً به واردات کالاهای لوکس و غیرضروری به داخل کشور محدود شده است. همچنین به سبب نبود ابزارهای کنترلی، مناطق آزاد و ویژه مورد سوءاستفاده قاچاقچیان کالا قرار گرفته و بر مشکلات قبلی افزوده است. با وجود اینکه تقویت و رشد صادرات یکی از اهداف تأسیس این مناطق بوده، آمارها حاکی از آن است که صادرات در این مناطق بسیار محدود بوده و در عمل معافیت‌ها و حمایت‌های اعمال شده به رشد معنی‌دار تولیدات صادرات محور منجر نگردیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

دسته سوم: عدم وجود نگاه استراتژیک و کلان به موضوع

سیاست‌های اتخاذ شده در کشور حاکی از آن است که تأسیس این مناطق بیشتر با هدف توسعه منطقه‌ای صورت گرفته و سایر اهداف همانند توسعه سرمایه‌گذاری خارجی و ورود به بازارهای جهانی و منطقه‌ای کمتر مورد توجه بوده است. این در حالی است که وجود نگاه استراتژیک از جمله پیش‌نیازهای لازم برای موفقیت این مناطق می‌باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

با مقایسه مناطق آزاد ایران و منطقه آزاد جبل‌علی این موضوع روشن‌تر خواهد شد. نگاه استراتژیک به اهداف منطقه و امکان حضور سهل برای سرمایه‌گذار خارجی از جمله تفاوت‌های این دو منطقه است که منجر به ایجاد اختلاف فاحش در دستاوردهای آنها شده است. بطور مثال در منطقه آزاد جبل‌علی تمرکز بر روی فعالیت‌های اقتصادی صورت گرفته و سایر فعالیت‌ها و امکانات اقامتی و توریستی به دومی واگذار شده است، در حالیکه در مناطق آزاد ایران تجمیع فعالیت‌ها صورت گرفته و اصرار سیاستگذاران در تجمیع فعالیت‌ها و تمرکز ارائه خدمت در محدوده مرزهای مناطق آزاد، بدون توجه به پتانسیل و توانمندی مناطق همجوار بوده است. بدین ترتیب این روند باعث شده است رشد و توسعه مناطق آزاد کمتر باعث رشد و توسعه شهرستان‌های همجوار شود.

شهرستان چابهار و دبی در ابتدای تأسیس مناطق آزاد چابهار و جبل‌علی به لحاظ امکانات زیربنایی و رفاهی اختلاف زیادی با یکدیگر نداشته‌اند. اما در سال ۲۰۱۰ تفاوت‌های قابل توجهی بین امکانات دو منطقه آزاد و دو سرزمین اصلی به وجود آمد. این اختلاف ناشی از دو سیاست اجرایی متفاوت است. سیاست اول آنکه منطقه آزاد جبل‌علی در سال ۱۹۸۵ و پس از فراهم شدن امکانات زیربنایی اولیه تأسیس شد. اما منطقه آزاد چابهار مانند سایر مناطق آزاد ایران با سیاست تامین زیرساخت‌ها از محل درآمدهای کسب شده منطقه، افتتاح شد.

سیاست دوم نیز تجمیع فعالیت‌های اقتصادی در مرز منطقه آزاد است که باعث اختلاف امکانات بین منطقه آزاد و سرزمین‌های همجوار آن در ایران شده است. در دومی، منطقه آزاد جبل‌علی که در دورترین نقطه نسبت به شهر دومی قرار دارد، صرفاً جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی، صنعتی و ترانزیت تجهیز و فعال گردیده و سایر عوامل مرتبط و موردنیاز اعم از مراکز اقامتی مسکونی، مراکز مالی، پولی و اعتباری و ... همه و همه در سرزمین اصلی یعنی امیرنشین دومی جانمایی و احداث گردیده است. به این ترتیب درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی منطقه آزاد جبل‌علی از یک سو و نیاز فعالان اقتصادی به خدمات رفاهی، اقامتی، درمانی، و تفریحی و ... از سوی دیگر، زمینه‌های رشد همه‌جانبه امیرنشین دومی را فراهم ساخته‌اند.

در واقع ایجاد فضای مساعد در جهت تامین نیازها که با قوانین تسهیل شده جذب سرمایه‌گذاری از ناحیه دولت دومی تامین گردیده، نتایج قابل ملاحظه‌ای همچون جذب بیش از ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری

خارجی در یک بازه زمانی ۵ ساله را رقم زده است. این در حالی است که در مناطق آزاد ایران اصرار بیش از حد بر ایجاد و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، تفریحی 'اقامتی و .. در محدوده مرز مناطق آزاد' به یک عامل ضد توسعه‌ای در شهرستان‌ها و نواحی مستعد همجوار آن تبدیل شده و نه تنها شرایط توسعه منطقه‌ای فراهم نگردیده بلکه فاصله محرومیت بیشتر نیز شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

دسته چهارم: چالش‌های قانونی

برخی از ابهامات موجود در قوانین و بعضی از خلاءهای قانونی، باعث شده تا این مناطق نتوانند به دسته‌ای از اهداف اولیه پیش بینی شده خود دست یابند. برخی از این ابهامات عبارتند از:

۱- نحوه محاسبه ارزش افزوده ایجاد شده در مناطق آزاد: معضل نحوه محاسبه ارزش افزوده از مهم‌ترین مشکلات بخش صنایع مستقر در مناطق آزاد و نیز یکی از عوامل بازدارنده توسعه صنعت در منطقه است که همواره موجب چالش بین مناطق آزاد و گمرک شده و مشکلاتی را در زمینه تولید کالا در مناطق آزاد ایجاد کرده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

برای رفع این چالش نیز این نکته مدنظر قرار گرفته که با لحاظ کردن شرایط و ضوابط محاسبه ارزش افزوده می‌توان این چالش را از مسیر فعالیت صنایع مستقر در مناطق آزاد حذف کرد.

۲- سرمایه‌گذاری خارجی: وجود ابهاماتی در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی یکی دیگر از مشکلات مربوط به موانع قانونی مناطق آزاد است. مناطق آزاد ایران تاکنون نتوانسته‌اند با ایجاد اطمینان در فضای سرمایه‌گذاری، زمینه مساعدی را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کنند. از مواردی که موجب عدم جلب سرمایه‌گذار خارجی می‌شود، ابهام در چگونگی واگذاری زمین به خارجی‌هاست. علی‌رغم تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی و آیین‌نامه اجرایی نحوه واگذاری زمین و منابع ملی در مناطق آزاد در دهه هفتاد تاکنون هیچگونه قانون یا آیین‌نامه‌ای که نحوه واگذاری اراضی به سرمایه‌گذاران خارجی در مناطق آزاد را به‌طور مشروح و صریح مشخص نماید 'تدوین و تصویب نگردیده است. این در حالی است که جذب سرمایه‌گذاران خارجی مستلزم اطمینان خاطر سرمایه‌گذار از انباشت و بازگشت سرمایه و لازمه آن آگاهی سرمایه‌گذار از نحوه و مدت زمان تسلط بر اراضی تحت اختیار است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

۳- بانکداری و بیمه: به‌طور معمول قوانین مربوط به بانکداری در مناطق آزاد و ویژه کشورهای مختلف جهان متفاوت با سرزمین اصلی است. این قوانین به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند تا امکان فعالیت بانک‌های خارجی در مناطق آزاد را سهل کرده و در پی آن امکان سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد را گسترش دهد. با این حال سیاست‌های مالی مناطق آزاد تاکنون نتوانسته بانکها و مؤسسات مالی خارجی را به فعالیت در مناطق

آزاد تشویق کند. ماده ۱۸ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تأسیس بانک و موسسات مالی و اعتباری در مناطق آزاد را منحصراً بر اساس مفاد قانون و آیین نامه اجرایی آن که به پیشنهاد بانک مرکزی ارائه می شود دانسته است. تبصره ۴ این ماده اشاره شده است که معاملات واحدهای بانکی در مناطق آزاد با ریال ایران مشمول مقررات بانکداری اسلامی خواهد شد. برخی از کارشناسان وجود این تبصره رو یکی از موانع پیش روی فعالیتهای بانکهای خارجی در مناطق آزاد می دانند، اما به نظر می رسد که عدم فعالیت بانکهای خارجی در مناطق آزاد به عوامل دیگری مانند بوروکراسی پیچیده برای اخذ مجوز تأسیس و ریسک بالای سرمایه گذاری به علت عدم اطمینان کافی برای حفظ حقوق مالکیت باشد. زیرا قانونگذار در تبصره ب ذیل ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران به نوعی ابهام موجود در تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مناطق آزاد را مرتفع کرده و عنوان داشته که «معاملات واحدهای بانکی در مناطق به ریال مشمول مقررات بانکداری اسلامی خواهد بود. این واحدها در معاملات خود به ارز مجاز به رعایت رویه های بانکی بین المللی هستند». بنابراین حل مشکل بانکداری در مناطق آزاد نیازمند حل موانعی است که به طور کلی برای سرمایه گذاران خارجی در مناطق آزاد وجود دارد (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۰).

۴- تأسیس بانکهای خارجی: در قوانین مصوب در کشور اجازه تأسیس بانک و موسسه اعتباری ایرانی با سرمایه خارجی و اجازه افتتاح شعبه توسط بانکها یا مؤسسات اعتباری خارجی داده شد که گامی رو به جلو برای توسعه مناطق آزاد محسوب می شود و با تغییراتی که در سیستم بانکی مناطق آزاد به وجود آمده شرایط برای اتصال به شبکه های مالی خارجی نیز فراهم شده است. این امر علاوه بر سرعت بخشیدن به جذب سرمایه های خارجی در مناطق آزاد زمینه را برای واقعی تر شدن جایگاه نظام بانکی، شناسایی و رفع اشکالات مرتبط با آن فراهم کرده است. پیش بینی های صورت گرفته در حالی است که چگونگی صدور مجوز تأسیس بانکهای خارجی یکی از چالش هایی است که این بانکها در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با آن مواجه هستند. براساس آیین نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی پیش بینی شده که تأسیس بانک و موسسه و افتتاح شعب بانکها و موسسات اعم از ایرانی یا خارجی در مناطق موکول به پیشنهاد سازمان و صدور مجوز توسط بانک مرکزی است. بر این اساس مجوزهایی که برای فعالیت بانکها، مؤسسات یا شعب بانکهای خارجی در مناطق آزاد پیش بینی شده عبارتند از: اخذ تأییدیه سازمان مناطق، اخذ مجوز تأسیس صادره از بانک مرکزی، تأیید اساسنامه و تغییرات بعدی آن توسط شورای پول و اعتبار، ثبت در منطقه آزاد، ارائه اعلامیه فروش ارز به یکی از واحدهای بانکی در مناطق به میزان سرمایه متعلق به اتباع خارجی، تودیع بخشی از سپرده های تودیع شده نزد خود، به میزان و نوع ارزی که بانک مرکزی تعیین می کند به عنوان سپرده قانونی نزد بانک مرکزی و نگهداری بخشی از سود ویژه سالانه خود به صورت اندوخته. در این خصوص نیز برای تسهیل فعالیت بانکهای خارجی در مناطق آزاد پیشنهاد شده است که صدور مجوز به مناطق آزاد واگذار شود و در عوض، نقش نظارتی برای بانک مرکزی پیش بینی شده، پررنگ تر شود.

اما الزام به استفاده از ریال در معاملات بانک‌های خارجی یکی دیگر از چالش‌هایی است که در این گزارش به آن اشاره شده است. براساس مصوبات پیش‌بینی شده در این زمینه کلیه معاملات واحدهای بانکی در مناطق آزاد با ریال ایران مشمول مقررات بانکداری اسلامی خواهد بود. روند پیش‌بینی شده در حالی است که برخی کارشناسان وجود این تبصره را یکی از موانع پیش روی فعالیت‌های بانک‌های خارجی در مناطق آزاد می‌دانند. اما در میان چالش‌های مذکور از افزایش حداقل سرمایه تأسیس بانک‌های خارجی نیز به عنوان یکی دیگر از موانع برای کاهش رغبت به فعالیت بانک‌های خارجی در مناطق آزاد نام برده می‌شود. از سوی دیگر براساس (دستورالعمل اجرایی ناظر بر تأسیس، فعالیت، نظارت و انحلال واحدهای بانکی برون مرزی در مناطق آزاد تجاری صنعتی) که از سوی بانک مرکزی با رویکرد تمهیدات شرایط حضور و فعالیت بانک‌های معتبر، برخوردار از سرمایه مکفی و توانمند برای انجام عملیات بانکداری برون مرزی در مناطق آزاد که قادر به جبران زیان‌های احتمالی وارده، پوشش ریسک‌ها، تضمین ثبات و پایداری و دارای ظرفیت اعتباری و تسهیلات‌دهی کافی ابلاغ شد حداقل سرمایه مورد نیاز برای تأسیس بانک برون مرزی در مناطق آزاد از ۲۵ میلیون یورو به ۱۵۰ میلیون یورو افزایش یافت. اقدام صورت گرفته از سوی بانک مرکزی را برخی از کارشناسان از عوامل اصلی کاهش رغبت فعالیت بانک‌های خارجی اعلام کردند. در مقابل بانک مرکزی بر آن است که سرمایه بانک به واسطه برخوردار از قدرت جذب زیان‌های غیرمنتظره، نقش بسیار کلیدی در حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی و مالی ایفا می‌کند. مجموع عوامل فوق سبب شده است که دبیر شورای عالی مناطق آزاد در بهمن ماه ۱۳۹۵ ضمن اعلام خبر افزایش درخواست‌ها برای تأسیس این بانک‌ها در مناطق آزاد، تأکید کند که چالش‌های موجود سبب شده است متقاضیان ایجاد بانک‌های خارجی عقب نشینی کنند. اما «فقدان مرجع خاص برای رسیدگی به اختلافات» را می‌توان آخرین چالشی دانست که در این گزارش به آن اشاره شده است. ابهام در نظام حقوقی ایران یکی از چالش‌های فعالیت در مناطق آزاد است ضمن اینکه در «قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» ماده خاصی به حل و فصل اختلافات در مناطق ویژه اقتصادی اختصاص داده نشده است. بنابراین برخلاف مناطق آزاد، اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق ویژه اقتصادی بدون هیچ تردیدی مشمول قوانین سرزمین اصلی و محدودیت‌های آن است. این در حالی است که سایر نظام‌های حقوقی در این خصوص گام‌های قابل توجهی برداشته و مراجع رسیدگی به اختلافات تخصصی برای حل مشکلات راجع به سرمایه‌گذاری با سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به دادگاه‌های مرکز مالی بین‌المللی دبی اشاره کرد که تجربه‌ای موفق در این خصوص هستند. براساس این گزارش عمده چالش‌های فوق را می‌توان با اعمال اصلاحاتی در مقررات حاکم بر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برطرف کرد. با توجه به اینکه مرجع صالح برای تصویب این تغییرات و اصلاحات، وزیران عضو شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی هستند بنابراین نیازی به تصویب قوانین و طی کردن تشریفات و مراحل تصویب قوانین وجود ندارد و مصوبه این شورا کفایت خواهد کرد.

همین موضوع سبب می‌شود که انجام اصلاحات لازم برای حل چالش‌های فوق در زمانی کوتاه‌تر امکان‌پذیر باشد.

۵- روابط کار: استثنا کردن قواعد حاکم بر روابط کار در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی مستلزم آن است که نظام حقوقی حاکم بر روابط کار در این منطقه به دور از اجمال، ابهام و تعارض تدوین شود تا در عمل بتواند روابط کارگران و کارفرمایان را مدیریت کند، اما مصوبه (مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تامین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران) در موارد مختلفی دچار اجمال و ابهام است که مشکلاتی ایجاد می‌کند. این در حالی است که از نظام تامینی قانون تامین اجتماعی و نظام حمایتی قانون کار در تعادل با یکدیگر قرار دارند و سهل‌گیری در مقررات حمایتی قانون کار مناطق آزاد و ویژه اقتصادی قاعدتا باید از طریق برقراری نظام تامین اجتماعی قوی‌تر جبران شود. این در حالی است که علاوه بر سهل‌گیری در قوانین کار و اشتغال در مناطق آزاد نظام تامین اجتماعی کامل و شفاف برای حمایت از کارگران شاغل در این منطقه وجود ندارد.

۶- الگوی مدیریتی و سیاستی سرزمین اصلی و مناطق آزاد: وجود دو نظام مدیریتی در مناطق آزاد می‌تواند مشکلات، چالش‌ها و ناهماهنگی‌هایی ایجاد کند. تعارضات بین بخشداری، شهرداری، سازمان محیط زیست و سازمان منطقه آزاد موجب بروز مشکلاتی از قبیل ناتمام ماندن طرح‌های جاده‌سازی، فنس کشی، حصارکشی و... می‌شود.

۷- تناقض میان قانون مناطق آزاد و مصوبات شوراهای میان بخشی: چالش دیگری است که در حوزه مدیریتی مناطق آزاد به آن اشاره شده است. برای حل مشکلات فوق یکپارچه‌سازی احکام قانونی راجع به مدیریت مناطق آزاد و شفاف‌سازی این قوانین یکی از راهکارهای پیشنهاد شده است. «پراکندگی و تغییرات قوانین» یکی دیگر از چالش‌هایی است که فعالان اقتصادی معتقدند این مناطق را با چالش‌های قوانین مواجه کرده است. در این گزارش آمده هر چند براساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی، قوانین مادر حاکم بر این مناطق هستند، اما قوانین و مقررات پراکنده متعدد در این خصوص به تصویب رسیده که این امر چالش‌برانگیز شده است و برای حل این معضل بیش از هر چیز رعایت اصول قانون‌گذاری ضرورت دارد. از سوی دیگر برای عبور از این مشکل در این گزارش دو راهکار رعایت اصول قانون‌گذاری و تدوین قانون جامع مناطق آزاد و ویژه اقتصادی پیشنهاد شده است.

۸- عدم تشکیل مناطق ویژه انتظامی: بر اساس قوانین پیش‌بینی شده تأمین امنیت و آسایش عمومی و ایجاد نظم در قلمرو مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران به عهده نیروی انتظامی است و برای تحقق این مهم نیز نیروی انتظامی موظف به تشکیل منطقه ویژه انتظامی برای هر منطقه شده‌اند، اما اقدامی در این زمینه صورت نگرفته و با این شرایط می‌توان گفت یکی از مزایایی که برای تسهیل تأمین امنیت و آسایش عمومی با رعایت ویژگی‌های مناطق آزاد پیش‌بینی شده بود هنوز اجرایی نشده است و عدم تشکیل آن، بر

آیین‌نامه مرزبانی مناطق آزاد، آیین‌نامه اداره اماکن عمومی مناطق آزاد و آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مناطق آزاد اثر منفی داشته است.

امروزه یکی از راهکارهای مفید و مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری، ایجاد مناطق آزاد تجاری می‌باشد. شکل‌گیری مناطق آزاد تجاری و صنعتی در بسیاری از کشورهای جهان و از جمله در ایران با هدف فراهم آوردن بسترهای لازم برای ارتقای درجه پیوندیابی با بازارهای جهانی و افزایش میزان صادرات کالاها و خدمات از طریق حذف یا کاهش محدودیت‌های متعارف موجود در سرزمین اصلی و ایجاد مزیت نسبی برای فعالیت اقتصادی در آن مناطق بوده است که به طور معمول با تجهیز سرمایه‌های خارجی و بهره‌گیری از مدیریت و دانش فنی سطح بالا به تسریع رشد و توسعه اقتصادی آن مناطق انجامیده است

• دیدگاه‌های نظری ایجاد مناطق آزاد

دیدگاه‌های نظری حاکم بر ایجاد مناطق آزاد همان چالش‌هایی هستند که در گزینش استراتژی توسعه در مورد کشورهای درحال توسعه از آن بحث می‌شود. در ادامه، پشتوانه نظری ایجاد مناطق آزاد در کشورهای درحال توسعه عنوان خواهد شد.

الف) بکارگیری استراتژی توسعه صادرات به جای استراتژی جایگزینی واردات

جایگزین کردن تولید داخلی به جای کالای وارداتی را استراتژی جایگزینی واردات می‌گویند. این استراتژی توسعه در فاصله زمانی دو جنگ جهانی و تا اوایل سال‌های دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت. دو جنگ مخرب و رکود اقتصادی سال‌های دهه ۱۹۳۰ ادامه روند واردات کالاهای صنعتی برای کشورهای درحال توسعه را با دشواری مواجه ساخت و حتی در مواردی ناممکن گردانید، زیرا از یک سو درآمدهای ارزی کشورهای درحال توسعه که ناشی از صدور مواد اولیه بود کاهش یافت و از سوی دیگر کشورهای توسعه یافته درگیر جنگ قادر به صدور کالاهای صنعتی خود نبودند (سرلک، ۱۳۷۴).

شرایط فوق و برانگیخته شدن احساسات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی تا پایان دهه ۱۹۵۰ به نوعی به استراتژی بی‌نیازی و خودکفایی ختم گردید که در محافل علمی و دانشگاهی استراتژی جایگزینی واردات نام گرفت، اما شکست نسبی برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی و صنعتی در کشورهای توسعه نیافته از یک سو و تغییر ماهیت در استراتژی خودکفایی کشورهای انقلابی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از سوی دیگر صحت و اعتبار شیوه‌های توسعه‌ای را که مدافع انزوای اقتصادی بود مورد تردید جدی قرارداد و به دنبال الگوی دیگری در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ الهام بخش کشورهای درحال توسعه گردید که استراتژی توسعه صادرات نام گرفت. در این رهگذر منطقه آزاد ایزاری است که می‌تواند صدمات ناشی از دوران گذار را برای اقتصاد

این کشورها کاهش دهد و آن‌ها را در ایجاد هماهنگی تدریجی با اقتصاد جهانی با صدمات کمتری مواجه سازد.

ب) بکارگیری استراتژی استفاده از اصل برتری‌های نسبی

تئوری برتری نسبی مبتنی بر این اصل است که هر کشور باید به تولید آن کالا مبادرت ورزد که در آن از برتری برخوردار است، زیرا کالاها را به بهای ارزان تر نسبت به سایر کشورها عرضه می‌کند. نظریه برتری که توسط ریکاردو اقتصاددان مشهور انگلیسی بیان گردید سال‌هاست که دیدگاه نظری حاکم بر تجارت بین الملل را شامل می‌گردد. به عقیده بسیاری از اقتصاددانان منطقه آزاد ابزاری است که کشورهای درحال توسعه می‌توانند با بکارگیری نیروی انسانی ارزان و نیز مواد اولیه و کالاهای واسطه و ترویج تجارت آزاد در چنین مناطقی از اصل برتری نسبی بهره‌مند شوند و روند توسعه اقتصادی خویش را سرعت بخشند.

پ) بکارگیری استراتژی تجارت خارجی به عنوان عامل محرکه توسعه

تحولات اقتصادی جهان پس از جنگ جهانی دوم تجربه کشورهای توسعه یافته امروزی در قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰ و نیز کشورهای تازه صنعتی شده طی سه دهه اخیر نشان داد که تجارت خارجی می‌تواند محرک و عامل توسعه باشد. به ویژه در دنیای اقتصادی امروز که تغییرات و تحولات تکنولوژی به اندازه‌ای - سریع و چشمگیر است که هیچ کشوری به تنهایی قادر به تولید همه چیز برای همه نیست و توسعه بدون همیاری و بهره‌گیری از داد و ستد با دیگران اتفاق نخواهد افتاد. همچنین، از آنجایی که یکی از راه‌های بسط تجارت خارجی، بکارگیری ابزار منطقه آزاد است، بنابراین بسیاری از اقتصاددانان استفاده از این ابزار را مفید تلقی می‌کنند.

• عوامل کلیدی موفقیت مناطق آزاد تجاری

بی شک، موفقیت مناطق آزاد تجاری به شرایطی بستگی دارد که برخی از آن‌ها عوامل بازدارنده و بعضی دیگر تسهیل‌کننده هستند. یافته‌های پژوهش طاهر (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که رقابت بر مبنای ارائه خدمات و کیفیت آنها، عامل موفقیت مناطق آزاد تجاری محسوب می‌شود. بدری (۱۹۹۶) معتقد است برای موفقیت منطقه آزاد تجاری، باید عوامل جذب‌کننده شرکت‌ها شناخته شوند. طبق مطالعات وی درباره مناطق آزاد تجاری کشورهای درحال توسعه، عوامل کلیدی موفقیت در این مناطق عبارت‌اند از:

۱. **ثبات سیاسی:** ثبات سیاسی مهمترین عاملی است که موجب جذب سرمایه در کشور میزبان می شود . سرمایه گذاران خارجی به طور معمول از سرمایه گذاری در کشوری که ثبات سیاسی ندارد و این بی ثباتی پیوسته برای منافع آنها تهدید آمیز است، اجتناب می کنند.
۲. **تعهد به اقتصاد آزاد:** هر چه تعهد دولت میزبان به سرمایه گذاری، تجارت آزاد و مانند این ها بیشتر باشد، مناطق آزاد تجاری جذابیت بیشتری برای سرمایه گذاران خارجی خواهند داشت.
۳. **محل استراتژیک:** منطقه آزاد تجاری باید به بازارهای بین المللی عمده نزدیک باشد.
۴. **در دسترس بودن نیروی کار ارزان:** تولیدکنندگان خارجی به دنبال کاهش هزینه تولید هستند و از این رو، نیروی کار ارزان از عواملی است که در جذب سرمایه گذاران به منطقه آزاد تجاری مؤثر می باشد.
۵. **زیرساخت های مناسب:** وجود زیرساخت های مناسب مانند سیستم های حمل و نقل، ارتباطات و اداری برای موفقیت مناطق آزاد تجاری یک ضرورت محسوب می شود.

• ویژگی ها و پیش نیازهای لازم برای تأسیس مناطق آزاد

حداقل امکانات مورد نیاز برای تأسیس مناطق آزاد را می توان در موارد زیر خلاصه کرد :

۱. تأسیس امکانات زیربنایی مانند؛ آب، برق، سوخت.
۲. ایجاد اسکله هایی که کشتی هایی حداقل تا ۲۵ هزار تن بتوانند در آن پهلو گرفته و تخلیه و بارگیری کنند.
۳. ایجاد محوطه های مناسب برای باراندازی و همچنین استقرار تجهیزات بنادر.
۴. ایجاد بندرهای مناسب و تأمین آب و سوخت منطقه.
۵. ایجاد یا توسعه فرودگاه و ساختن ترمینال های مناسب.
۶. ایجاد مراکز آموزشی، درمانی، بهداشتی، اقامتی، خدماتی، تفریحی و ...
۷. اعطای مجوز فرود به هواپیمای مسافربری که از خارج وارد منطقه می شوند.
۸. تأسیس شبکه های مخابراتی پیشرفته (تلفن، فاکس، ...)
۹. ایجاد واحدهای بانکی و استقرار مؤسسات پولی و بانکی مانند؛ بازار بورس.
۱۰. ایجاد سازمان مدیریت اجرایی قوی جهت سازماندهی و هماهنگی اجرایی لازم.
۱۱. ایجاد و تقویت اراده ملی به منظور کمک به تأسیس منطقه آزاد.
۱۲. شناخت و بررسی دقیق تجربه تاریخی جهان و منطقه از تأسیس مناطق آزاد.

• اهداف ایجاد منطقه آزاد

ایجاد منطقه آزاد از جمله ابزار توسعه اقتصادی است که در صورت موفقیت می تواند دستاورد زیادی برای کشورهای در حال توسعه داشته باشد. از این رو اهداف اصلی از تأسیس مناطق آزاد به شرح زیر قابل بررسی هستند:

۱. تأمین کمبود های توسعه اقتصاد ملی.
۲. بهره گیری از مزایا و امکانات و پتانسیل ها، برتری های نسبی اقتصاد ملی.
۳. برقراری ارتباط منظم بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی.
۴. اتصال تدریجی اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی.

• **اهم اهداف تفضیلی به شرح زیر قابل طبقه بندی است :**

۱. جذب سرمایه های خارجی و داخلی.
۲. تأمین ارز بیشتر برای رفع نیازهای اقتصاد ملی.
۳. جذب و انتقال تکنولوژی به درون اقتصاد ملی.
۴. ایجاد فرصت های شغلی جدید در منطقه آزاد و درون اقتصاد ملی.
۵. افزایش و تنوع بخشی صادرات و گسترش تجارت خارجی.
۶. افزایش کارایی اقتصاد ملی.
۷. کمک به ورود کالاهای سرمایه ای و واسطه ای به درون اقتصاد ملی به قیمت مناسب تر.
۸. افزایش درآمد ناشی از فعالیتهای خدماتی (حمل و نقل، انبار داری، بارگیری و تخلیه و...)
۱. آشنایی عینی و عملی با تجارت جهانی، تربیت نیروی انسانی و کسب آموزشهای
۲. فنی و حرفه ای و افزایش درجه مهارت نیروهای کار.
۳. استفاده از برتری های نسبی (نیروی کار ارزان، ذخایر معدنی، کالاهای کشاورزی و سایر مواد اولیه)
۴. توسعه منطقه ای و تبدیل بخ شهای عقب مانده به قط بهای توسعه.
۵. جذب نقدینگی سرگردان داخلی و کمک به مهار تورم

• **دسته بندی کلی سرمایه گذاری خارجی**

سرمایه گذاری خارجی معمولاً در دو قالب صورت می پذیرد :

الف) سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI=foreign direct investment).

ب) سرمایه گذاری غیر مستقیم خارجی در سبد مالی (FPI=foreign portfolio investment).

سرمایه‌گذاری مستقیم که کشور یا سرمایه‌گذار خارجی مستقیماً و یا با مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌کند (FDI) و سرمایه‌گذاری غیر مستقیم که معمولاً از طریق خرید سهام و اوراق قرضه در بورس توسط سرمایه‌گذاران خارجی صورت می‌گیرد. (FPI)

صندوق بین‌المللی پول، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در شرکت‌هایی مؤثر می‌داند که به نحو مؤثری توسط افراد یا مؤسسات خارجی کنترل می‌شوند. شکل عمومی این سرمایه‌گذاری عبارت است از سرمایه‌گذاری در شعبه‌ها و واحدهای تابعه شرکت‌های فراملیتی.

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

از دیدگاه کوبین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) عبارت است از نوعی سرمایه‌گذاری که به منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در موسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت گیرد و نتیجه آن کسب حق رأی مؤثر در مدیریت یک شرکت یا بنگاه اقتصادی است. همچنین در کتاب جامع پالگریو، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت "تملک دارایی‌ها توسط سرمایه‌گذار در خارج از موطن خود" تعریف شده است. در ایران، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عموماً مستلزم آن است که سرمایه‌گذار خارجی حضور فیزیکی داشته باشد و با قبول مسئولیت مالی و پذیرش ریسک در سود و زیان، کنترل و اداره واحد تولیدی را نیز مستقیماً در دست داشته باشد. به این ترتیب، سرمایه‌گذار به طور مستقیم در اجرای فعالیت‌های تولیدی نقش مؤثری ایفا کرده است. با توجه به تعاریف فوق، ملاحظه می‌شود که این نوع سرمایه‌گذاری نسبت به سایر روش‌های تأمین مالی خارجی پایدارتر بوده و چندان فرار نیست.

مطالعات نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به هر علت و شکلی که صورت پذیرد، اثرات قابل ملاحظه‌ای روی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله کاهش نرخ بهره، کاهش نرخ ارز، افزایش رشد اقتصادی، افزایش درآمد مالیاتی دولت، کاهش بدهی دولت، بهبود توزیع درآمد، انتقال و انتقال تکنولوژی، افزایش اشتغال، توسعه صادرات، کاهش واردات و تاثیر مثبت در تراز پرداخت‌ها دارد. این نوع سرمایه‌گذاری خود به دو نوع سرمایه‌گذاری مستقل خارجی و سرمایه‌گذاری مشترک خارجی تقسیم می‌شود.

۱-۱- سرمایه‌گذاری مستقل خارجی

سرمایه‌گذاری‌های مستقل خارجی از نظر حقوقی به شرکت‌های خارجی با مالکیت صد درصد خارجی اطلاق می‌شود و همان‌طور که از عنوان آن نیز پیداست در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار سرمایه مورد نیاز خود را، خود تأمین می‌کند و سرمایه‌گذاران خارجی از هر جهت دارای استقلال کامل هستند. شرکت‌های

بزرگ برای گسترش امور تجاری خود و در راستای تامین منابع مالی خارجی کشور میزبان، از این نوع سرمایه‌گذاری استفاده کرده و اقدام به تاسیس شرکت‌های تحت قوانین تجاری کشور میزبان می‌کنند.

۲-۱- سرمایه‌گذاری مشترک خارجی (Joint Venture)

هزینه‌های سرمایه‌گذاری و منافع حاصله در این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها، به تناسب میان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. سرمایه‌گذاری مشترک خارجی یکی از اشکال تکامل‌یافته سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه است. یکی از انواع سرمایه‌گذاری‌های مشترک خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم مشترک سهامی است که در آن مالکیت سهام و سرمایه میان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تقسیم می‌شود و شرکا به طور معمول به نسبت سهم خود در مدیریت واحد تولیدی یا خدماتی نقش دارند. در این حالت، روابط میان سرمایه‌گذاران و سهامداران از طریق قوانین تجاری کشور میزبان تعیین می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری یکی از متداول‌ترین انواع سرمایه‌گذاری‌های خارجی است.

۲-۲ سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی یا سرمایه‌گذاری پورتفوی (FPI)، به آن دسته از سرمایه‌گذاری‌هایی اطلاق می‌شود که اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی به صورت خرید اوراق بهادار از یک موسسه یا شرکت مالی بدون آنکه مستقیماً در امر سرمایه‌گذاری شرکت کنند، سرمایه خود را در اختیار کشور میزبان قرار می‌دهند. خرید اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک‌های خارجی از انواع FPI هستند که در این حالت، سرمایه‌گذار خارجی در اداره واحد تولیدی نقش مستقیم نداشته و مسوولیت مالی نیز متوجه وی نیست.

از ویژگی‌های بارز این گونه سرمایه‌گذاری‌ها، پایین بودن درجه ریسک، کوتاه بودن دوره سرمایه‌گذاری و بالا بودن قدرت نقدشوندگی است. البته ایراد این نوع سرمایه‌گذاری فرار بودن آن است؛ به عبارتی، در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار خارجی هر لحظه که بخواهد می‌تواند با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه خود را از کشور خارج کند و به کشور دیگری انتقال دهد. در این حالت وقتی اقتصاد کشوری در حالت رکودی باشد یا میزان بازدهی سرمایه به میزان قابل توجهی کاهش یابد، این نوع سرمایه از کشور خارج شده و باعث تشدید نابسامانی و رکود در کشور میزبان خواهد شد. نمونه این اتفاق در بحران جنوب شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ مشاهده شد. در اثر بحران مالی در جنوب شرق آسیا سرمایه‌گذاران بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه خود را از دست دادند.

• انگیزه سرمایه‌گذاری خارجی

بی تردید در عین حالی که انگیزه اصلی هر سرمایه گذار خارجی تحصیل حداکثر سود است، اما هدف‌های دیگری به همراه دارد که از آن جمله می توان موارد زیر را نام برد.

(۱) حصول اطمینان از قوام تامین مواد اولیه.

(۲) بهره‌گیری از نیروی کار و احتمالا مواد معدنی و سایر مواد اولیه ارزان قیمت.

(۳) اقدام به فعالیتی نظیر بانکداری و بیمه به منظور حصول سود و حمایت از شرکت‌های خودی یا کشور موطن.

(۴) کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و وجود رقابت شدید در موطن اصلی و یا بالا بودن نرخ مالیات‌ها.

• ویژگی‌های خاص سرمایه‌گذاری خارجی

اگر سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت با امکان نسبی لازم صورت گرفته باشد، می تواند به تولید و صادرات کالا بی‌انجامد، اما لازم است به فاصله مربوط به مدیریت، تکنولوژی، مهارت و تصدی امور بازرگانی خارجی نیز توجه کرد. سرمایه‌گذاری خارجی در حد سرمایه‌گذاری مالی متوقف نمی‌شود، بلکه با خود مجموعه‌ای از عناصر و عوامل را به همراه دارد که خصوصا از نظر کشورهای در حال توسعه، به ویژه با شرایط امروز اقتصاد جهانی از اهمیت زیادی برخوردار است. این‌گونه تجارب در کشورهای در حال توسعه کمتر وجود دارد و در نتیجه، سرمایه‌گذار خارجی با پر کردن اینگونه فاصله‌ها می‌تواند تحول بزرگی رادر راه توسعه اقتصاد کشور در حال توسعه ایجاد کند.

برنامه‌های آموزشی و یادگیری از طریق انجام کار با سرمایه‌گذاری خارجی نباید دست کم گرفته شود. در کنار این موضوع، کشورهای در حال توسعه به کمک این سرمایه‌گذاری‌ها می‌آموزند که چگونه با بازارها، بانک‌ها و منابع تأمین مالی خارجی باید رفتار کنند.

سرمایه‌گذاری خارجی با خود تکنولوژی تولید، ماشین‌آلات و تجهیزات مدرن را به ارمغان می‌آورد که این امر در صورت هوشیاری کشور میزبان، به انتقال تکنولوژی و مهارت و دانش می‌انجامد، به خصوص که تحولات تکنولوژیک در جهان امروز با چنان سرعتی پیش می‌رود که بدون همکاری و بهره‌گیری از دانش کشورهای صنعتی انتقال آن به درون غیر ممکن است.

• سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان منبع رشد

از سرمایه خارجی می توان به عنوان منبع رشد یک جامعه استفاده نمود، زیرا بنگاه‌ها برای آنکه بتوانند بازار را در دست خود بگیرند به رقابت بر می‌خیزند، درست است که زمانی برای به انحصار گرفتن بازار موانعی بر سر راه همدیگر ایجاد می‌کنند اما با وجود این مطلب باز به بهتر و بدیع کردن کالاها ی خود می‌اندیشند و سعی می‌کنند همیشه برای تولیدات خود متقاضیانی داشته باشند و مصرف‌کنندگان خود را از دست ندهند و این باعث افزایش تولیدات بنگاه‌ها و به دنبال آن باعث رشد و توسعه جامعه می‌شود و همین امر باعث افزایش پس‌انداز سرمایه‌های خارجی خواهد شد، زیرا با متنوع شدن و افزایش صادرات می‌تواند بازار جهانی را در دست بگیرند .

• آثار سرمایه‌گذاری خارجی

در یک نگاه کلی، اثرات سرمایه‌گذاری خارجی از جهاتی قابل بررسی است که در زیر به چندی از آن‌ها اشاره می‌شود :

(۱) ساختار و عملکرد صنعتی

برخی مطالعات نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاری‌های خارجی مخصوصاً از طریق شرکت‌های فراملی موجب می‌شوند تا تولیدکنندگان کارآمد جانشین تولیدکنندگان ناکارآمد شوند .

شواهد تجربی حاکی از این است که در کشورهایی که در راه تجارت و سرمایه‌گذاری در آن‌ها، موانع مخصوص وجود نداشته و محیط اقتصادی برای فعالیت‌های بخش خصوصی (اعم از داخلی و خارجی) مساعد بوده است، شرکت‌های فراملی آثار مثبتی بر تخصیص منابع داشته‌اند . از طرف دیگر سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند باعث ایجاد سرمایه و هدایت آن به سمت واحدهای فعال و مولد شده و سبب افزایش تولید و کنترل تورم شود.

(۲) رشد اشتغال و سرمایه انسانی

سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارای اثرات متعددی بر اشتغال و توسعه نیروی انسانی است و این موضوع لزوم بررسی دقیق‌تر طرح‌های پیشنهادی این شرکت‌ها توسط دولت و نیز وضع مقررات برای استخدام کارکنان توسط شرکت‌های فراملی و برنامه‌های آموزش کارگران را مطرح می‌سازد.

مطالعات نشان می‌دهد که اگر در یک کشور در حال رشد، بیکاری عمدتاً علت ساختاری داشته باشد و هیچ منبع سرمایه‌گذاری نیز موجود نباشد، در این صورت سرمایه‌گذاری‌های خارجی موجب افزایش اشتغال

خواهد شد. از سوی دیگر، چنانچه سرمایه‌گذاری خارجی جانشین سرمایه‌گذاری داخلی باشد، اثر اشتغال آن ناچیز و حتی منفی خواهد بود.

شواهد تجربی نشان داده‌اند که شرکت‌های فراملی بیش از شرکت‌های محلی به تکنولوژی‌های سرمایه‌بر گرایش دارند. از طرف دیگر، شرکت‌های فراملی به واسطه پیوندهایی که با صنایع بالا دست یا پایین دست دارند و از طریق اثرات مثبت یا منفی که بر میزان استخدام رقیب می‌گذارند، می‌توانند به طور غیر مستقیم بر امر اشتغال تأثیر داشته باشد.

۳) افزایش نقدینگی بازارهای سرمایه محلی

سرمایه‌گذاری خارجی نقدینگی بازارهای سرمایه محلی را افزایش می‌دهد و همچنین می‌تواند به بهبود کارایی بازار کمک کند. سرمایه‌گذاری خارجی به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم به افزایش نقدینگی بازار کمک می‌کند. با حضور سرمایه‌گذاران خارجی، پول اضافی وارد بازار سرمایه می‌شود و در نتیجه حجم معاملات و قدرت نقد شوندگی بازار افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با حضور فعال و مستمر سرمایه‌گذاران خارجی، جذابیت بازار سرمایه بیشتر می‌شود و در نتیجه انگیزه و تمایل سرمایه‌گذاران داخلی برای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه افزایش می‌یابد و بدین گونه، این پدیده بصورت غیر مستقیم نیز به افزایش نقدینگی بازار منجر می‌شود. همچنین سرمایه‌گذاران خارجی با تقاضای اطلاعات شفاف، به موقع و با کیفیت، به افزایش کارایی بازار نیز کمک می‌کنند. در بازار کاراً قیمت اوراق بهادار به ارزش ذاتی خود نزدیک‌تر می‌شود و قیمت تعیین شده در بازار، شاخص مناسبی برای ارزش واقعی اوراق بهادار است.

از دیگر منافع سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود زیرساخت‌های بازار است. آن‌ها از طریق تقاضا برای استانداردهای حسابداری با کیفیت، قوانین و مقررات مناسب و نیروهای واجد شرایط و قابل اعتماد، به بهبود زیرساخت‌های بازار کمک می‌کنند. آن‌ها همچنین با تقاضای ابزارها و خدمات مالی متنوع‌تر، به افزایش عمق بازار نیز کمک می‌کنند.

۴) پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد بین‌المللی

یکی از اثرات مهم شرکت‌های فراملی بر کشورهای میزبان، ایجاد پیوند و ارتباط بین این کشورها و اقتصاد بین‌المللی است. این روابط در اکثر موارد و در مجموع نتایج مثبتی خواهند داشت و از طریق سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت و انتقال تکنولوژی برقرار می‌شوند. عملیات شرکت‌های فراملی همچنین می‌تواند در افزایش کارایی و کاهش هزینه تولید موثر باشد و از این طریق موقعیت رقابتی یک کشور را در بازارهای بین‌المللی ارتقا بخشد، و در نهایت به نفع مصرف‌کنندگان باشد.

۵) موازنه پرداخت‌ها و تشکیل سرمایه

شواهد موجود حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری‌های خارجی در زمان سرمایه‌گذاری، تأثیر مثبت ناچیزی بر موازنه پرداخت‌ها و تشکیل سرمایه می‌گذارد. ولی با گذشت زمان این تشکیل سرمایه می‌تواند از طریق سهم سود، سودهای انباشته و برگشت سرمایه تأثیر بیشتری داشته باشد. از نظر دولت‌ها، کنترلی که شرکت‌های فراملی بر سرمایه‌های خود اعمال می‌کنند در بسیاری از موارد به این شرکت‌ها امکان می‌دهد که بر سیاست‌های داخلی این کشورها تأثیر بگذارند و این مطلب یکی از دلایل موافقت نکردن با این قبیل سرمایه‌گذاری‌هاست. هرچند ادعا می‌شود که در بسیاری از موارد دارایی‌های شرکت‌های فراملی وارد اقتصاد کشوری می‌کنند، منحصر به سرمایه نیست و اهمیت عواملی چون تکنولوژی، مدیریت دستیابی به بازارها و دستیابی به صادرات اگر از اهمیت سرمایه بیشتر نباشد، کمتر نیست.

۶) دستیابی به بازارهای صادراتی

با وجود مشکلات حال و آینده بازارهای صادراتی، نیاز کشورهای در حال رشد به توسعه صادراتشان همچنان پا بر جاست. یکی از وسایل رسیدن به این هدف استفاده از سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. شرکت‌های فراملی می‌توانند تکنولوژی لازم جهت تولید محصولات با کیفیت صادراتی و تضمین عواملی چون تحویل به موقع و کیفیت مطلوب و قابل اعتماد که لازمه بازاریابی صادراتی هستند و بالاخره اطلاعات مربوط به بازارهای صادراتی و دسترسی به آن‌ها را با خود به کشور میزبان بیاورند.

• سرمایه خارجی بر روی چه عواملی تأثیرگذار است

اگر سرمایه خارجی را به سه منبع یعنی (۱) سرمایه ملی (۲) سرمایه فیزیکی (۳) سرمایه غیر ملموس، در نظر بگیریم و بخواهیم به طور مجزا به آن پردازیم خواهیم دید که از نظر ملی سرمایه‌گذاری بر جامعه تأثیر مثبت دارد و سرمایه‌گذاری خارجی بیرونی را سرمایه‌گذاری داخلی را افزایش خواهد داد. از نظر فیزیکی هم تعداد کالاهایی که صادر می‌شود باعث افزایش سرمایه خارجی خواهد شد و از نظر غیر ملموس بودن هنر و فناوری جامعه افزایش پیدا خواهد کرد و به دنبال آن کشف بازارهای جدید باعث توسعه کشوری شود البته شایان به ذکر است گاهی اوقات جذب سرمایه‌گذاری برای بازارهای داخلی به تنهایی مقرون به صرفه نمی‌باشد و حتماً باید دارای نشان باشد تا بتوان آنها را صادر کرد و بازاری برایشان پیدا نمود البته در نظام اداری نیز باید تغییراتی انجام دهیم و زیر بنای مناسبی باید در نظر بگیریم و دیگر آنکه باید شرکای مناسب داخلی در اختیار داشته باشیم.

• چه عواملی بر خود سرمایه خارجی تأثیر می‌گذارد

صادراتی که از تولیدات انجام شده توسط سرمایه خارجی انجام می‌گیرد بعد از برگشت سرمایه باعث می‌شود که تراز سرمایه افزایش یابد و به دنبال آن پس‌انداز سرمایه افزایش پیدا خواهد کرد .

عامل دیگری که بر سرمایه خارجی تأثیر می‌گذارد مالیات می‌باشد، مالیات باعث می‌شود که هزینه سرمایه-گذاری خارجی افزایش پیدا کند و این عامل باعث جلوگیری از ورود سرمایه‌گذاری خارجی خواهد شد.

• عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه را اقتصاددانان به جیوه تشبیه می‌کنند که لغزان است و با کوچکترین تکانی جا به جا می‌شود. برخی دیگر معتقدند که سرمایه زودتر از (جان آدمی) از معرکه می‌گریزد و به عبارت دیگر صاحبان اندوخته و سرمایه به محض مشاهده و احساس خطر قبل از اینکه به فکر نجات جان خود باشند، ابتدا، سرمایه را از خطر نجات می‌دهند تا امنیت را برای خود در جایی دیگر تأمین کنند.

(۱) ترجیح اقتصاد دولتی بر اقتصاد آزاد

باور و ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاری و سرمایه خارجی همواره القا کننده یک تصور و احساس غلط و با کمترین تعقل نسبت به خطرات آن است. این ذهنیت به ویژه در کشورهای جهان سوم، به نوعی تحت تأثیر تفکر و اندیشه افرادی است که به طور کلی اقتصاد دولتی را به اقتصاد آزاد ترجیح می‌دهند.

(۲) قوانین و مقررات دست و پا گیر

دومین عامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذار خارجی تصویب قوانین و مقرراتی است که تا آنجا که ممکن است ، مسیر سرمایه‌گذاری و میل و انگیزه نسبت به آن را دشوار و تضعیف می‌کند. در کشورهای در حال توسعه غالباً تصمیم‌گیرندگان سیاسی و اقتصادی تحت تأثیر جوی قرار می‌گیرند که نسبت به سرمایه‌گذار نگاه نامساعد و ناسازگار دارند. به طور کلی ، قوانینی که در این دسته از کشورها وضع می‌شود غالباً دارای چند ویژگی به شرح زیر است :

- کند کننده حرکت‌های اقتصادی تولیدی مردمی

- تقویت کننده نظام اقتصاد دولتی

- کاهنده انگیزه ها و تمایلات سرمایه گذاری مولد

- طرفدار بازرگانی وارداتی

- غیر شفاف شدن کارکردها

قوانین در این کشورها همچنین برای سرمایه‌گذاران نگران‌کننده و تهدیدکننده است، ضمن آنکه محدودیت آور نیز هست. به عبارت دیگر، با وجود اینکه در سیاست‌ها و استراتژی‌ها نسبت به سرمایه‌گذاری، عبارت‌های موافق و تشویق‌کننده‌ای دیده می‌شود، قوانین و مفاد آن‌ها به تریبی است که هر گونه تجاوز و تسلط بر سرمایه‌گذاران عمده را مجاز می‌شمارد و به اهرم‌های سیاسی اجازه می‌دهد که در هر زمان که مصلحت‌های خود اندیشیده‌شان و منابع اقلیت‌ها اقتضا کند، نسبت به سرمایه‌گذاران تصمیم‌های خاصی اتخاذ کنند.

(۳) بوروکراسی

سومین عامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذار خارجی مربوط به بوروکراسی بسیار پیچیده و پرافت و خیز در نظام دولتی کشورهای کمتر توسعه یافته است. در این کشورها زمان به انجام رسیدن طرح‌ها بسیار طولانی است در این کشورها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها غالباً از حدود قانون خارج شده و محدودیت‌های بیشتری را برقرار می‌کنند. بوروکراسی همچنین از طریق تغییر مقررات و مبهم بودن مفاد آنها تشدید می‌شود. تغییر بی وقفه و مداوم در ضوابط و مقررات و دستورالعمل‌ها یکی از عوامل عمده نبود (امنیت اقتصادی) است که با رفتارها و تصمیم‌های مغایر و ناهماهنگ و قانون‌گریزی و رعایت نکردن قوانین و مقررات توأم می‌شود و یک نوع بی‌اطمینانی و بی‌اعتمادی را در سرمایه‌گذاران بر می‌انگیزد.

(۴) دیدگاه غیر اقتصادی مدیریت

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذار خارجی، فقدان یا ضعف دیدگاه مدیریت اقتصادی است. این مدیریت با کمبود علم، تجربه و کارآمدی رو به رو است و صرفاً سعی می‌کند که فقط خود و منصب خویش را حداقل یک روز بیشتر حفظ کند و در تمییز بین بد و بدتر، خوب و خوبتر، تمییز بین زمان حال و آینده و تفاوت بین دولتی و غیردولتی، با دشواری روبه رو است و از مجموع امکانات نمی‌تواند سود جوید.

(۵) فقدان استراتژی‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در خصوص جذب سرمایه‌گذاری خارجی، فقدان استراتژی‌های ملی در ابعاد مختلف آن می‌باشد. موضوع جذب سرمایه‌های خارجی می‌بایست به صورت عملی در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد. صرف ادعاهای تکراری در خصوص علاقه‌مندی کشورها به این موضوع نمی‌توان انتظار داشت تا اعتماد سرمایه‌گذاران تأمین و فضای عملیاتی مورد نیاز ایجاد گردد. حرکت و عزم جدی دولت‌ها و

در کنار آن مجالس قانون‌گذاری که می‌باید دارای نمود عملی چه در قالب برنامه‌های کلان توسعه و یا در محیط برنامه‌های کوتاه‌مدت ملی، باشد در سطح بین‌المللی ضامن رویکرد مثبت سرمایه‌گذاران خارجی خواهد بود.

۶) عدم تأمین محیط‌های جذاب و امن سرمایه‌گذاری

بسیاری از کشورهای در حال توسعه موضوع عدم توفیق در جذب سرمایه‌های خارجی را به خوبی می‌شناسند. اما این سوال نیز مطرح است که آیا آن‌ها موفق شده‌اند تا محیط‌های امن و جذابی برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور خود ایجاد نمایند؟

شاید در ظاهر مفاد بند ۶ با بند ۵ همسان به نظر آید، اما در واقع منظور از محیط‌های مورد نظر، تمام فضای مستعد سرمایه‌گذاری در یک کشور را شامل نمی‌شود. اصولاً کشورهایی که در فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصی قرار دارند و در ضمن خود را مقید به رعایت تشریفات زائد گمرکی، ارزی، اداری و سایر ظوابط و مقررات دست و پاگیر می‌دانند، با ایجاد مناطق آزاد حداقل به عنوان ابزاری آزمایشی توانسته‌اند توجیه مناسبی برای موانع ضد توسعه‌ای خود بیابند.

اکنون در بسیاری از کشورها تردیدی وجود ندارد که منطقه آزاد دریچه‌ای است که می‌تواند توسعه اقتصادی آنان را شتاب بخشد و به عنوان ابزاری قدرتمند، برتری‌های بالقوه آنان را به توانایی بالفعل تبدیل و نقش پلی مستحکم بین اقتصاد ملی آن‌ها و اقتصاد بین‌المللی را ایفاء نماید. امتیازات خاصی که کشورهای مؤسس در مناطق آزاد ارائه می‌نمایند، بهترین فرصت را برای حضور پررنگ سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌آورد.

• شاخصه‌های امنیت سرمایه‌گذاری

موضوع الزام تأمین امنیت در محیط‌های مستعد سرمایه‌گذاری به عنوان یک ضرورت بسیار مهم و کلیدی است. در واقع واژه امنیت هر موضوعی که به صورت مستقیم در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار تأثیرگذار است را در بر می‌گیرد. باید اذعان داشت، شاخصه‌های امنیت سرمایه‌گذاری بسیار گسترده و متفاوت می‌باشند. این شاخصه‌ها را می‌توان به صورت‌های گوناگون دسته‌بندی نمود. به عنوان مثال موضوع پیش‌نیازهای سرمایه‌گذاری و نیازمندی‌های حین فرآیند سرمایه‌گذاری، یک گروه‌بندی شناخته شده را معرفی می‌نماید. اما دیدگاه ارائه شده در متن حاضر، دیدگاهی مبتنی بر کلان‌نگری است، لذا دسته‌بندی انجام شده قالب‌هایی کلی را در بر می‌گیرند. گروه‌های عمده در نظر گرفته شده به شرح ذیل می‌باشند:

۱) شاخصه‌های امنیت محیط جغرافیایی

۱-۱) امنیت فیزیکی: در واقع یکی از مهمترین انتظاراتی که سرمایه‌گذار چه داخلی و چه خارجی در قبال حضور فیزیکی خود در محیط مد نظر ما دارد، تأمین امنیت جانی می‌باشد. بدیهی است، محیطی که نتوان امنیت فیزیکی سرمایه‌گذار خارجی را در آن تأمین نمود، به هیچ وجه جذاب نبوده و سرمایه‌گذار رغبتی برای تعریف برنامه کاری نخواهد داشت.

موضوع تأمین امنیت جانی سرمایه‌گذار یک پیش نیاز لازم الاجراء می‌باشد و بروز حوادثی همچون ضرب و جرح، دزدی، آدم‌ربایی و ... بدون شک مانع حضور سرمایه‌گذار و عدم حضور وی به معنی شکست برنامه‌های جذب سرمایه‌گذاری خواهد بود.

۱-۲) بلایای طبیعی: واضح است که محیط‌های جغرافیایی مستعد بروز بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان و حتی مواردی همچون هجوم حیوانات و حشرات و مناطق مستعد شیوع بیماری‌های خاص، مکان‌هایی امن و جذاب برای حضور و فعالیت سرمایه‌گذار اعم از خارجی یا داخلی نمی‌باشد.

۱-۳) تأمین انرژی: موضوع امنیت در تأمین و در دسترس بودن انرژی عنصری بسیار تأثیرگذار در انتخاب یک سرمایه‌گذار محسوب می‌گردد. در صورتی که تأمین انرژی مورد نیاز به ویژه الکتریسیته، آب (صنعتی و شرب)، سوخت و دیگر حامل‌های آن به سادگی و در مقادیر مطمئن ممکن نباشد، نظر سرمایه‌گذاران به ویژه آن دسته که پیگیر راه‌اندازی صنایع با فرآیندهای حساس و پرهزینه می‌باشند را منفی خواهد گردانید.

۱-۴) امور زیربنایی: نیازهای اولیه سرمایه‌گذار در خصوص امور زیربنایی شامل مواردی از قبیل زمین آماده‌سازی شده، دفاترکاری، مکان‌های مناسب اقامتی، شبکه‌های تأمین انرژی، مسیرهای دسترسی و ... می‌باشند که بدون وجود آنها سرمایه‌گذار احساس امنیت نخواهد کرد.

۱-۵) شبکه‌های حمل و نقل: وجود زیرساخت‌های حمل و نقل از مهمترین الزامات حضور فعال و بی‌دغدغه سرمایه‌گذار محسوب می‌گردد. تمرکز محیطی با احداث بنادر و اسکله‌های چند منظوره، فرودگاه، شبکه بزرگراه‌ها و البته اتصال به شبکه‌های ملی و بین‌المللی ریلی و جاده‌ای عنصری بسیار تأثیرگذار در تأمین نیازمندی‌های اولیه سرمایه‌گذاران است. عدم دسترسی آسان به هریک از اجزاء مورد اشاره یا واقع شدن آنها در محیط‌های غیرمتعارف (مانند فرودگاه نظامی) شرایطی را فراهم خواهد ساخت که سرمایه‌گذار در آن احساس امنیت نخواهد کرد.

۲) شاخصه‌های امنیت سیاسی

۲-۱) ثبات سیاسی حکومت: یکی از مهمترین عناصر امنیت سیاسی، ثبات سیاسی حکومت مرکزی است. در واقع کشورهای همواره دستخوش تحولات گسترده در حوزه حکومت می‌باشند، محیط‌هایی امن و جذاب برای حضور سرمایه‌گذاران به ویژه خارجی نمی‌باشند. وقوع کودتا، شرایط درگیری و جنگ داخلی، فضای مناسب در جهت شکل‌گیری جنگ با دولت‌های خارجی، درگیری‌های شدید حزبی و ... مواردی از این دست، عواملی هستند که مانع اتخاذ تصمیم به آغاز فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی خواهند گردید.

۲-۲) تنش‌های بین‌المللی: قرار گرفتن در نقاط حساس که تنش‌های بین‌المللی زیادی را تجربه می‌نماید، به معنی ناامنی و فضای نامناسب کسب و کار خواهد بود. گاهاً موضوع تنش‌های بین‌المللی قطعیت طرح‌های توجیه فنی و اقتصادی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. کشور کره شمالی نمونه بارز چنین محیطی می‌باشد.

۲-۳) تحریم‌های بین‌المللی: در واقع وجود تصمیماتی در سطح سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مبنی بر اعمال انواع تحریم‌ها اعم از سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی و یا وجود فضای مناسب در جهت اخذ و اعمال چنین تصمیم‌هایی، فضایی ناامن برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاری محسوب می‌گردد.

۳) شاخصه های امنیت قانونی

۳-۱) شفافیت در قوانین تجاری و ارزی: سیاست‌های ارزی، سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در کشور، مقوله‌های تفکیک‌ناپذیر هستند و با همدیگر ارتباط مستقیم دارند. وجود معافیت‌های گمرکی بر ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز کشورهای در حال توسعه و عوارض گمرکی بالا بر ورود کالاهای مصرفی، سیاستی است که شرکت‌های چند ملیتی را به جای فروش کالاهای نهایی تشویق به سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه می‌کند.

از طرف دیگر نرخ بازده داخلی هر پروژه سرمایه‌گذاری که اثر مستقیم بر تصمیم سرمایه‌گذار دارد، تابع مستقیمی از هزینه سرمایه است که هزینه سرمایه به نسبت ارزبری آن، کاملاً در ارتباط با نرخ ارز مقرر شده برای واردات تجهیزات سرمایه‌ای است. نظام ارزی مشخص، سیاست‌های تجاری با ثبات در خصوص واردات مواد اولیه و صدور کالا و قوانین گمرکی با ثبات از جمله مهمترین عوامل زمینه‌ساز جذب سرمایه‌های خارجی‌اند. هر قدر این سیاست‌ها شفاف، پایدار و برای زمان طولانی‌تری ثابت باشد، سرمایه‌گذاری و به ویژه سرمایه‌گذاری خارجی افزایش خواهد یافت.

۳-۲) مالکیت: عموماً قوانین موضوع اعطای مالکیت معنوی در کشورهای در حال توسعه، جزء سخت‌گیرانه‌ترین موضوعات قانونی محسوب می‌گردند مالکیت در حوزه دارایی‌های سرمایه‌ای به ویژه در حوزه زمین نیز معمولاً مشمول مقررات سخت‌گیرانه‌ای است. با چنین شرایطی یکی از خواسته‌ها و انتظارات مهم

سرمایه‌گذار برآورده نمی‌گردد. در برخی از کشور اتخاذ برخی سیاست‌ها باعث تعدیل فضا گردیده است. موضوع اعطای بی‌قید و شرط مالکیت معنوی در خصوص تشکیل شرکت به صورت صد درصد خارجی و اجاره‌های ۹۹ ساله زمین، همه راهکارهایی برای توسعه فضای امن سرمایه‌گذاری محسوب می‌گردند.

۳-۳) تضمین: یک اصل مهم در مبحث سرمایه‌گذاری استقلال سرمایه و سرمایه‌گذار از محیط سرمایه‌گذاری است. این بدان معنی است که فضایی ایجاد گردد که در آن هیچ خطری ماهیت تملک سرمایه و عواید آن را تهدید ننماید. عمده خطرات مورد بحث به شرح ذیل می‌باشند:

- احتمال ملی‌سازی سرمایه به نفع عامه

- ایجاد محدودیت در انتقال سرمایه و سود

- نقض مالکیت معنوی

- تغییرات کلان قانونی بویژه در حوزه مالیاتی در بازه زمانی مورد توافق

- مداخلات دولتی بصورت یارانه‌ها و مشوق‌ها

۳-۴) قوانین گمرکی: تغییر قوانین گمرکی در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت یکی از عوامل مؤثر در کاهش راندمان سرمایه‌گذاری محسوب می‌گردد. کاهش و یا افزایش‌های متعدد تعرفه‌ها و یا ممنوعیت و رفع ممنوعیت در واردات و صادرات برخی کالاها، موانع بزرگی در مسیر جلب اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشند. شفافیت، ثبات و طراحی مبتنی بر راهبردهای جهانی همچون سازمان تجارت جهانی در حوزه قوانین گمرکی فضای بسیار مساعدی را به ویژه در حوزه فعالیت‌های تجاری ایجاد خواهد نمود.

نکته مهم دیگر در این زمینه لزوم ثبات قانونی و افزایش گستره زمانی معافیت‌های خاصی است که در خصوص امور تجاری اتخاذ می‌گردد. رفع ناگهانی برخی معافیت‌ها که به صورت سیاست‌های تشویقی برای جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های خارجی اتخاذ گردیده‌اند، به همان سرعت که تأثیر مثبتی در جذب سرمایه داشته‌اند، به همان نسبت نیز در فرار سرمایه مؤثر خواهد بود.

۳-۵) قواعد پولی و مالی: از جمله نهادهای حمایت‌کننده سرمایه‌گذاری، بازارهای پولی و مالی‌اند که از مهمترین عوامل در جریان و انتقال سرمایه به شمار می‌روند. هر چه بازارهای پولی و مالی منسجم‌تر، وسیع‌تر، موانع و محدودیت‌ها کمتر، تکنولوژی‌های ارتباطی قوی‌تر و تأسیسات مالی مناسب‌تر باشد، جریان نقل و انتقال سرمایه به سادگی و با شدت بیشتر صورت می‌پذیرد. اتخاذ سیاست‌های صحیح به ویژه در بانک مرکزی

با محوریت ایجاد فضای رقابتی در حوزه فعالیت‌های مالی توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی خارجی، بهترین شرایط برای حصول اطمینان از امنیت جریان‌های مالی در فعالیت سرمایه‌گذاری را ایجاد می‌نماید.

۳-۶) سهولت فرآیندهای کسب و کار: فرآیندهای شناخته شده در محیط کسب و کار که به نوعی جایگاه هر کشور را نیز در رتبه‌بندی جهانی نیز مشخص می‌کند، فرآیندهایی هستند که میزان سهولت و یا پیچیدگی آن‌ها رابطه مستقیم با تأمین نظر سرمایه‌گذاران خارجی ارتباط دارند.

در واقع هر چه فرآیندهای کسب و کار پیچیده‌تر باشد، سرمایه‌گذار هزینه و زمان بیشتری را برای پیشبرد امور جاری خود هزینه خواهد کرد. مطالعه شاخص‌های کسب و کار در کشورهای با رشد اقتصادی بالا نشان‌دهنده حرکت و عزم آن‌ها در ساده‌سازی و مکانیزاسیون امور مربوطه دارد.

امروزه تکنولوژی ICT در سطحی وسیع جایگزین فرآیندهای نیمه اتوماتیک و دستی گردیده و مفهوم ارائه خدمت بصورت تک پنجره (Single Window) که مبتنی بر تمرکز فعالیت‌های مرتبط با موضوع کاری در یک مجموعه یا شبکه می‌باشد، به عنوان رویکردی مثبت و کارا پذیرفته شده است.

۴) شاخصه‌های حمایتی

ابتدا لازم است تعریفی از این دسته ارائه گردد. شاخصه‌های حمایتی عموماً عناصری هستند که در محدوده-های جغرافیایی خاص یا در زمان‌های معینی ارائه می‌گردند. بدین ترتیب مشوق‌هایی برای جذب سرمایه-گذاری ایجاد و گاهاً فرایندها نیز تسهیل می‌گردند در مورد شاخصه‌های حمایتی و ارتباط آن با امنیت سرمایه-گذاری ذکر دو نکته خالی از فایده نمی‌باشد.

اولاً تعریف شاخصه‌های حمایتی در برخی کشورها و عموماً در محدوده بسیاری از مناطق آزاد، موضوع تعریف و تدوین آن‌ها را در کشور ما به یک الزام تبدیل نموده است. همچنین وجود فضای رقابتی در خصوص جذب سرمایه‌های خارجی ایجاب می‌نماید در تعریف شاخصه‌های حمایتی حرکت رو به جلو و ابداعی رعایت شود. این بدان معنی است که کشور ما در صورتی که علاقه‌مند به جذب سرمایه‌های خارجی بیشتری نسبت به کشورهای رقیب باشد، می‌بایست در خصوص شاخصه‌های حمایتی، مشوق‌های بیشتر و نافذتری را بکار گیرد.

ثانیاً موضوع ثبات و شفافیت در این خصوص نیز زمینه‌های افزایش اطمینان و ضریب امنیت سرمایه‌گذاری را تسهیل و مزیتی کارا در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود.

۱-۴) زمین: در حوزه مناطق آزاد موضوع واگذاری زمین آماده (تسطیح شده و اقع در محیط مناسب از نظر دسترسی به امور زیربنایی و حامل‌های انرژی) یک عنصر حمایتی تلقی می‌شود. همچنین اعمال تخفیف در قیمت زمین و تقسیط مبلغ نهایی نیز دیگر مشوق‌ها به شمار می‌روند. تعریف شفاف و صریح موضوع فرآیند واگذاری زمین و ثبات در رویه‌ها عنصری تأثیرگذار در جذب سرمایه‌گذار به شمار می‌رود.

۲-۴) تردد اتباع خارجی: تسهیل در فرآیند تردد اتباع خارجی اعم از صدور ویزا، وجود خطوط هوایی منظم، امکانات استفاده از کارت‌های مالی بین‌المللی و غیره، مواردی هستند که تأثیر بسیار زیادی در ایجاد امنیت روانی سرمایه‌گذار خواهند داشت.

۳-۴) بیمه سرمایه‌گذاری: وجود بیمه‌گذارانی که توانایی انجام بیمه مسئولیت سرمایه‌گذاری را در سطح فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی داشته باشند، نقطه اتکاء بسیار ارزشمندی در زمینه سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی برای سرمایه‌گذاران محسوب می‌گردد.

۴-۴) معافیت‌های مالیاتی: یکی از مهمترین مزایای شناخته شده مناطق آزاد که دلیل محکمی برای حضور فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد شمرده می‌شود، عامل معافیت‌های مالیاتی است. کشورهای توسعه یافته عموماً عمده درآمدهای خود را از ناحیه اخذ مالیات بر درآمد و مالیات‌های مستقیم به دست می‌آورند. بنابراین بسیاری از فعالان اقتصادی برای فرار از چنین شرایطی، برنامه‌های توسعه‌ای خود را در محیط مناطق آزاد بین‌المللی که در آن‌ها معافیت‌های گسترده مالیاتی تعریف شده است، به اجرا در می‌آورند.

۵-۴) نیروی کار ارزان: وجود نیروی کار اعم از ماهر، متخصص و عادی در کشورهای مقصد، عامل تأثیرگذاری در کاهش قیمت تمام شده کالا و رشد سودآوری فعالیت‌های اقتصادی است. امروزه کشور چین به مدد نیروی کار بسیار زیاد در سطوح متفاوت، توانسته است با کاهش قیمت تمام شده کالاهای تولیدی خود، شرایط رقابتی بسیار سختی را برای رقبا رقم بزند.

نکته مهم دیگر در این زمینه قوانین مربوطه در حوزه امور کار و تأمین اجتماعی است. در واقع سرمایه‌گذار خارجی، علاقه‌مند به انجام فعالیت اقتصادی در محیط‌هایی است که قوانین کار در آنها جهت‌گیری یک‌طرفه‌ای به نفع کارگر نداشته باشد.

کریمی کیا و مقدم (۱۳۹۱) در مقاله تحت عنوان "بررسی عوامل جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اروند" با روش دلفی و آزمون t استیودنت به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر جذب سرمایه‌گذاری پرداخته است.

نتایج تحقیق مبین این نکته است که عدم وجود امکانات زیربنایی، عدم سرمایه‌گذاری مناسب دستگاه‌های دولتی، نارسایی قوانین و مقررات از موانع عمده جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اروند به شمار می‌روند.

اکبریان و خرم (۱۳۹۰) در مقاله با عنوان "جذب سرمایه‌گذاری خارجی"، عوامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، عوامل سیاست‌گذاری اقتصادی مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأثیر ساختار اقتصادی بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عوامل تعیین‌کننده مکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. نتایج کسب شده حاکی از آن است که با توجه به لزوم تأمین سرمایه برای تحقق بخشیدن به هدف‌های کلان اقتصادی از یک سو و نابرابری میان منابع پس‌انداز شده و نیازهای سرمایه‌ای در اقتصاد ایران و پیامدهای منفی سرمایه‌گذاری غیر مستقیم خارجی از سوی دیگر، تأمین مالی از راه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که گذشته از رفع کمبود سرمایه، ابزاری مناسب برای دستیابی به تکنولوژی مدرن و ابزارهای تازه و پیشرفته است، گریزناپذیر به نظر می‌رسد.

اسماعیلی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود به بررسی "عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد تجاری ارس با استفاده از تکنیک AHP" پرداخته است. نتیجه این مطالعه حاکی از آن است که به ترتیب فقدان سازمان‌های اجرایی مناسب و عدم برخورداری از مدیریت صحیح و کارا، فقدان امکانات زیر بنایی اولیه، اثر سوء سیاست‌گذاری‌های دولت در سطح کلان بر منطقه و در نهایت، محدودیت نارسایی در قوانین بر عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی تأثیرگذار است.

تقوی و رضایی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "تأثیر عواملی بجز سیاست آزادسازی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران" به بررسی اثر نرخ تورم و سرمایه‌گذاری داخلی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته‌اند. در این مقاله نشان داده شده است که نرخ تورم اثر منفی و سرمایه‌گذاری داخلی اثر مثبت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد.

افتخاریو و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی و اولویت‌بندی مناطق آزاد تجاری ایران با استفاده از روش MADM" به تخصیص هر چه بهینه‌تر منابع اقتصادی کشور و اولویت بندی مناطق آزاد با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمتغیره برای سال ۱۳۸۳ پرداخته است و سپس به منظور ترکیب بهینه نتایج تکنیک‌های به کار رفته با استفاده از روش‌های مختلفی چون (بورد، کوپلند و پوزت) رتبه‌بندی نهایی مناطق صورت داده‌است. نتایج به دست آمده از ترکیب روش‌های مذکور حاکی از آن است که منطقه آزاد کیش از بالاترین رتبه برخوردار بوده و پس از آن به ترتیب مناطق آزاد قشم و چابهار قرار دارند، از این رو می‌توان با افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و دستیابی به بازار جهانی و منطقه‌ای با استفاده از این رتبه‌بندی توجه کرد.

دیندا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان "عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به نیجریه" به بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نیجریه در دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۶ پرداخته است. این مطالعه نشان می‌دهد که ذخایر منابع طبیعی، شدت تجارت و عاملی مانند تورم و نرخ ارز بر جریان FDI در نیجریه تأثیرگذار است و در طولانی مدت اندازه بازار بر جذب FDI تأثیر ندارد.

لن و یین (۲۰۰۹) مقاله با عنوان "تجزیه و تحلیل عوامل اقتصادی جذب FDI در غرب چین پس از اصلاحات و باز شدن اقتصادی" انجام داده است. در این مقاله، شهر چنگدو به عنوان نمونه در نظر گرفته شده و از روش هم‌انباشتگی برای تجزیه و تحلیل عوامل اقتصادی در جذب FDI در غرب چین در ۳۰ سال گذشته استفاده شده است و نتایج تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که رشد اقتصادی سریع‌تر، درجات باز بودن بالاتر و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت عوامل اقتصادی مهم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در شهر چنگدو است.